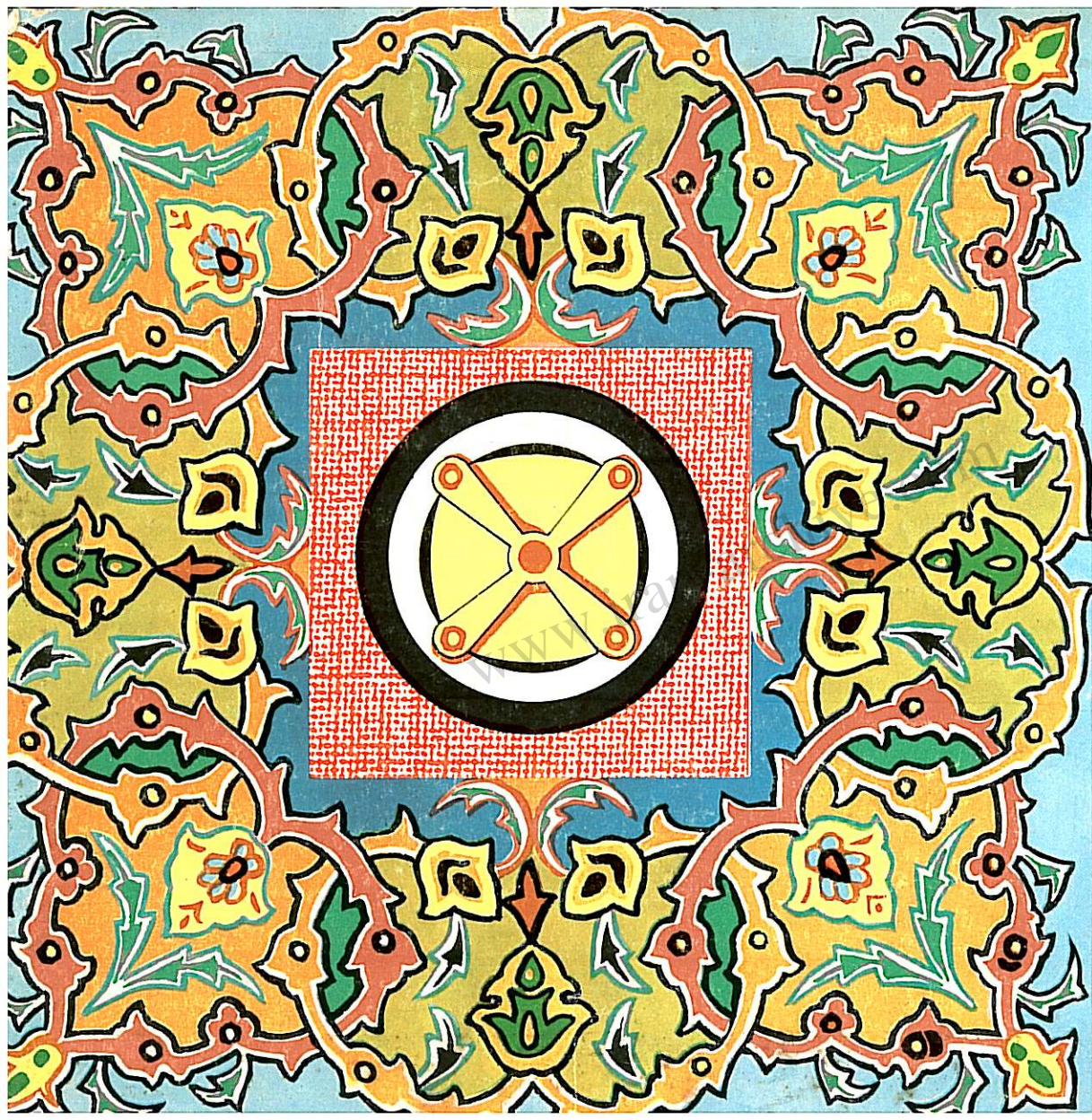


# سالنامه توده

بمناسبت پنجاهمین سال  
تأسیس حزب کمونیست ایران  
و سی امین سال تأسیس  
حزب توده ایران

۱۳۴۹



## چند تصحیح لازم

با پوزش از خوانندگان گرامی تقاضا داریم چند اشتباه دانش در این سالنامه را به شرح زیر تصحیح فرمایند :

صفحه ۱۵ ، سطر ۱۲ از پائین بجای سال ۱۳۲۹ ، سال ۱۳۴۹ خوانده شود .

در صفحه ۱۳۶ مقاله « شمه‌ای در باره جنبشهای اجتماعی و انقلابی در ایران » از رفیق ا . گویا است

در صفحه ۱۷۲ شعر « ای شاعری که شمع حیوانیت شد خموش » به شاعر شهید مرتضی گویان مربوط است .

به صفحه ۱۸۸ اضافه میشود :

۱۸ سرداد ۱۳۳۴

جبهه متحد احزاب آزادیخواه که بنا به ابتکار و دعوت حزب توده ایران با شرکت حزب ایران تشکیل گردید .

در صفحه ۱۸۴ مسئله پیوستن احزاب به جبهه مؤتلف احزاب آزادیخواه مربوط به

آبان سال ۱۳۳۵ است و نه ۱۳۳۴

# سالنامهٔ توده

بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران

و

سی‌امین سالگرد حزب توده ایران

از انتشارات حزب توده ایران

سال ۱۳۴۹

## سالنامهٔ توده

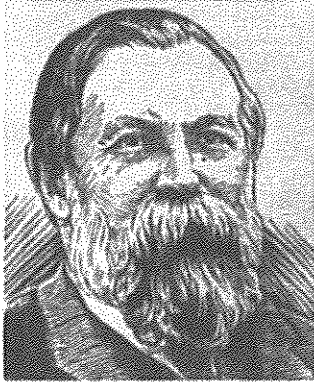
سالنامه ی توده به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران و سی‌امین سال تأسیس حزب توده ی ایران منتشر میشود.\*

ماکوشیده ایم در این سالنامه یک سلسله اطلاعات فاکتوگرافیک و آماری دربارهٔ جنبش‌های انقلابی در ایران، تاریخ حزب کمونیست ایران و حزب توده ی ایران و جنبش ملسی کردن نفت و نیز درباره ی وضع اقتصادی و اجتماعی کشور در شرایط کنونی بدست دهیم - یعنی اطلاعاتی که برای مجاهدان حزبی و همه ی مبارزان شد رزیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی دانستن آنها سودمند است. بویژه تنظیم تقویم زندگی حزب توده ی ایران که برای اولین بار باین وسعت انجام میگردد از مزایای مسلم این سالنامه است.\*

مادراین جزوه از قهرمانان و شهیدان حزب و نهضت یاد کرده ایم و مستخرجاتی از اسناد مهم سیاسی و اشعار و سرودهای اجتماعی و انقلابی درج نموده ایم و تا حد امکان این جزوه را با عکسهای لازمه آراسته ایم.\*

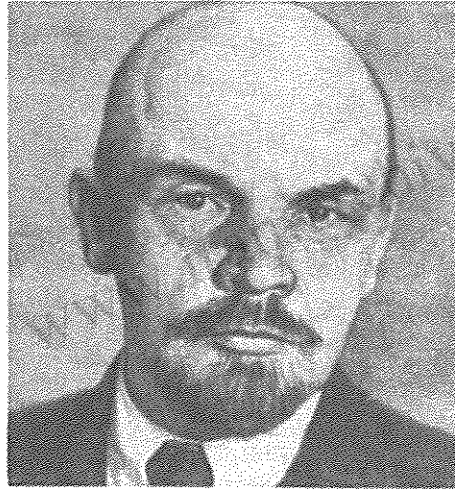
انتشار این سالنامه طبق تصمیم پلنومهای ۱۲ و ۱۳ کمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران که پیشنهاد شعبه ی تبلیغات و تعلیمات حزب را در این زمینه تصویب کرده است، انجام میگردد. امید است کارانجام یافته بتواند نقش خود را در فعالیتهای تبلیغاتی و تعلیماتی حزب ما ایفا کند. ما از خوانندگان ارجمند سالنامه سیاست‌گذار خواهیم شد اگر نظریات انتقاد ی و تکمیلی خود را برای ما ارسال دارند تا در کتابهای مادراین زمینه مورد استفاده قرارگیرد.\*

شعبه ی تبلیغات و تعلیمات حزب توده ی ایران

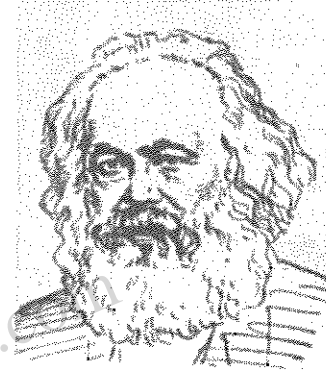


فريدريش انگلس

پيشوايان سترک پرولتاريای جهانسی  
هنياد گزاران آموزش مارکسيسم — لنينيسم



ولاد يميمر ايلچ لنين



کارل مارکس

پيروزياد مارکسيسم — لنينيسم — جهان بينی انقلابی حزب تود \* ايران

## سیمای واقعی اقتصاد ایران

در این بخش سالنامه به بررسی مختصر وضع اقتصاد ایران میپردازیم و میکوشیم ضمن ارائه اطلاعات فشرده ای درباره ی اقتصاد کشور، تحلیلی واقع بینانه مبتنی بر ارقام و واقعیت ها نیز از آن بعمل آوریم. بدیهی است تحلیل ماجنبه ی کلی دارد و فقط به برخی مسائل عمده خواهیم پرداخت.

در بیان مطالب، از لحاظ حجم حتی الامکان رعایت تناسب شده است. درباره ی معدودی از مسائل که تاکنون مطبوعات ما با آنها نبرد اخته اند به تفصیل بیشتر سخن خواهد رفت. علاوه بر این بخش، نوشته های دیگری در این سالنامه درباره ی وضع کشاورزی و پایگاههای امپریالیسم در ایران و غیره وجود دارد که مکمل مطالبی است که در این بررسی می آید.

## ۱- اوضاع طبیعی ایران

ایران کشوریست وسیع که در جنوب غربی آسیایان ۴۴ تا ۶۳ درجه طول شرقی و ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی قرار گرفته است. مساحت ایران در حدود ۱۳۵۵ هزار کیلومتر مربع است. ایران بتنهائی بیش از مجموعه ی انگلستان و فرانسه و سوئیس و بلژیک و هلند و اسپانیا و پرتغال وسعت دارد.

جمعیت ایران اکنون به ۲۸ میلیون نفر بالغ میشود. در هر کیلومتر مربع آن در حدود ۱۷ نفر زندگی میکنند. بنابراین تراکم جمعیت در ایرا کم است (در سراسر زمین ۲۶ نفر، در آسیا ۴۷ نفر). جمعیت ایران سالانه در حدود ۲٫۸ درصد افزایش مییابد که تقریباً و برابر میزان افزایش جمعیت در کشورهای پیشرفته ی صنعتی است. آهنگ رشد جمعیت در شهرهای ایران سریعتر از آهنگ رشد در مناطق روستائی است. مهاجرت به شهرها طت اصلی است.

ایران در حدود ۸ هزار کیلومتر مرز دارد که یک سوم آنرا مرزهای دریائی تشکیل میدهد. ایران از لحاظ ارتباط با سایر کشورهای جهان از موقعیت مناسبی برخوردار است.

سرزمین ایران قسمت بزرگی از پشته یانچد ایران را تشکیل میدهد. ایران کشوریست کوهستانی و  $\frac{3}{4}$  سطح آنرا پستی و بلندی مناطق کوهستانی فرا گرفته است و جز در سواحل دریای خزر و خلیج فارس و بحر عمان بیش از هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد. مناطق کوهستانی ایران بطور عمده شامل سلسله کوههای البرز و زاگرس است.

کوههای البرز از شمال غربی کشور آغاز میشود، پس از دوزدن سواحل جنوبی خزر بسوی شرق امتداد مییابد و به کوههای افغانستان می پیوندد. داموند بلندترین قله ی البرز است و ۵۶۰۴ متر ارتفاع دارد. کوههای زاگرس از آذربایجان آغاز میشود، ابتدا بسمت جنوب و سپس در جهت جنوب شرقی امتداد می یابد، بتدریج از ارتفاع خود میگذارد و سرانجام به خاک پاکستان داخل میشود.

در داخل ایران نیز چند رشته کوه وجود دارد که بنام کوههای مرکزی ایران شهرت دارند. این کوهها در واقع شعبات سلسله کوههای زاگرس هستند.

در شرق ایران نیز کوههای منفردی وجود دارد که کوه تفتان با قله ی ۴۰۴۲ متری خود بلندترین آنهاست.

قسمتهای داخلی این کوهها راهمواریهای بی آب و غلف و شوره زار دشت کویر و دشت لوت در بر گرفته است.

با آنکه ایران در منطقه ی معتدله ی شمالی قرار دارد وضع آب و هوای آن بیش از آنکه برحسب موقعیت جغرافیائی کشور تعیین شود، تحت تاثیر پستی و بلندیهای نجد ایرانست. بطوریکه ایران در مقایسه با کشورهای نظیر یونان و ایتالیا و هند و برمه و غیره که از لحاظ جغرافیائی همعرض ایران هستند، آب و هوای کاملاً متفاوتی دارد.

کوههایی که ایران را همچون حصار از چهار سمت احاطه کرده اند، مانع نفوذ جریانهای هوائی خارج به داخل کشور میگرددند. مثلاً سلسله کوههای البرز مانع دخول جریانهای نمناک اقیانوس اطلس و دریای خزر به داخل کشور میشود. این جریانها فقط بسواحل خزر و دامنه های شمالی البرز و تا حدودی به نواحی کوهستانی شمال غرب و دامنه های غربی زاگرس نفوذ میکنند و یا کوههای جنوبی ایران مانع دخول باد های سوزان صحرائ عربستان بنواحی مرکزی ایران میگردد.

نرسیدن جریانهای هوایی اقیانوس هاودریاها به داخل کشور باعث شده است که نواحی مرکزی ایران دارای اقلیم خشک و کاملاً بستی باشد. بخصوص در نواحی کویر ولایت منطقه ای کاملاً مستقل و جدا شده ای از محیط اطراف بوجود میآید که در اثر تابش شدید آفتاب فضای بستی انداز گرم و خشک در آن پدید میآید. درجهی حرارت در این نواحی در فصل مختلف و حتی در شبانه روز بشدت تغییر می یابد. چنانکه اختلاف درجهی حرارت در برخی نقاط حتی به ۴۰ درجه میرسد.

هوای ایران بطور کلی گرم است. در بعضی نواحی حد اکثر حرارت در تابستان به بیش از ۵۰ درجه و حتی در زمستان تا ۲۰ درجه رسالا میرود. حد اقل حرارت در اکثر نقاط ایران پائین تر از صفر است و گاه به ۳۵- تا ۳۰- درجه زیر صفر میرسد.

وجود کوهها و چین خوردگیهای فراوان باعث شده است که در نواحی مختلف ایران و حتی در داخل منطقه ای کوچکی شرایط اقلیمی کاملاً متفاوت پدید آید. هنگامیکه مثلاً در آذربایجان جوانه های گندم هنوز زیر برف است، در نواحی جنوبی ایران کار درو و خرمین کوبی آغاز میشود و نقاط سرد سیر و گرمسیر چندان در هم میآمیزند که باطنی چند کیلومتر آه می توان از گیاههای سرد سیری به گیاهان گرمسیری رسید. این وضع امکانات وسیعی برای تولید انواع محصولات کشاورزی خاص مناطق حاره و معتدله و مناطق مدیترانه ای در ایران فراهم آورده است. تنوع پوشش گیاهی و وجود انواع حیوانات و پرندگان که بر حسب شرایط خاص نواحی مختلف ایران بطور طبیعی پرورش یافته اند، گواه بر این امر است. در ایران بیش از ۱۰۰۰ نوع گیاه، در حدود ۷۰۰ نوع حیوانات ذوقار، بیش از صد نوع حیوانات پستاندار و ۴۰۰ نوع پرنده وجود دارد.

بارندگی در ایران مجموعاً کم است و میزان آن در نواحی مختلف کاملاً متفاوت است. چنانکه در سواحل خزر میزان نزولات آسمانی بیش از ۱۰۰۰ میلیمتر و در سیستان کمتر از ۱۰۰ میلیمتر در سال است. میزان سالانه ای بارندگی در ایران بطور متوسط ۳۰۰ میلیمتر است (در سراسر کشور) زمین بطور متوسط ۸۱۰ میلیمتر و در خشکیها ۱۶۰ میلیمتر بارندگی میشود. در ایران مجموعاً ۵۰۰ - ۴۵۰ میلیارد متر مکعب بارندگی میشود.

در ایران رود بزرگ کم است. آب رود های ایران یا از بارانهای موسمی، یا از آبهای زیر زمینی (چشمه سارها) و یا از برفها و یخهای کوهستانی تأمین میشود. در ایران فقط رود کارون قابل کشتیرانی است. در کارون نیز فقط در طول ۲۰۰ کیلومتر (در بخش سفلی آن) میتوان کشتیرانی نمود.

رود های ایران از لحاظ حوضه ای آبریز به سه قسمت میشوند: ۱- حوضه ای آبریز دریای خزر، ۲- حوضه ای خلیج فارس و دریای عمان و ۳- حوضه ای داخلی که شامل رود های است که به دریاهای داخلی میزنند و یا در باتلاقها و ریزگرها فرو میروند. آب بسیاری از رود های ایران گل آلود بوده. اکثراً با املاح سولفات و کلرات توأم است.

در رود های ایران در حدود ۱۰۰ نوع ماهی زندگی میکنند و بخصوص رود های حوضه ای دریای خزر از لحاظ ماهی غنی هستند. در رود های ایران سالانه در حدود ۱۱۷۵ میلیارد متر مکعب آب جار است که فقط از ۳۹ میلیارد متر مکعب آن بهره برداری میشود و باقی بدهی آنکه مورد استفاده قرار گیرد به دریاها و دریاهای باتلاقها و شزارها وارد میشود. از ۳۹ میلیارد متر مکعب مورد بهره برداری نیز فقط ۱۷- ۱۶ میلیارد متر مکعب به مصرف نهائی میرسد و بقیه ای این آبها نیز بهد ریبرود. در صورت ایجاد سد های مخزنی و انحرافی و کانال کشی و بکار بردن شیوه های علمی آبیاری میتوان از هدر رفتن این همه آب گرانیهاد رکشور جلوگیری نمود.

از لحاظ خاک شناسی ایران وضع کاملاً متنوعی دارد. تنوع در وضع پستی و بلندی، آب و هوا، پوشش گیاهی، وضع زمین شناسی و وجود رسوبات مختلف موجبات این تنوع را فراهم آورده است. با اینهمه خاکهای ایران بیشتر از نوع خاکستری است. وفور مواد قلیائی، قلت مواد آلی و کثرت سنگلاخها از مشخصات خاک ایران است. با اینجهت فقط



با اصلاح خاک ( بکار بردن مواد شیمیائی ، پاک کردن زمین از سنگ ، استعمال کود و آبپاری و غیره ) میتوان بنحوی شایسته از زمینهای ای — ران بهره برداری نمود .

در باره ی معادن ایران ( جز نفت ) هنوز بررسی دقیق و همه جانبه ای انجام نگرفته است . سرزمین ایران از این لحاظ هنوز ناشناخته است . ولی وجود چین خوردگیها و قشر بندبها و مواد آتشفشانی و رسوبات تمام ا د و ا ر زمین شناسی — از مرحله ی کابرین ازدوران پالئوزوئیک گرفته تا آخرین مرحله ی دوران کائینوزوئیک — وجود انواع مواد معدنی را در ایران به ثبوت میرساند . کشف انواع مواد معدنی ضرور — فلزات سیاه و رنگین ، شبه فلزات ، نفت ، سنگها و خاکهای ساختمانی و آبهای معدنی — که از دیر زمان برائرسای مردم ایران و یاد رسالهای اخیر در نتیجه ی بررسی های مقدماتی سازمانهای دولتی و موسسات خصوصی انجام گرفته ، مؤید آنست که اگر در ایران بررسیهای دقیق علمی بعمل آید ، ذخایر معدنی عظیم بدست خواهد آمد . نقشه ی معادن مکشوفه ی ایران امکانات وسیع کشور را از لحاظ تنوع مواد معدنی بخوبی آشکار میسازد ( رجوع به صفحه ی بعد ) .

معادن

#### از سند تحلیلی حزب :

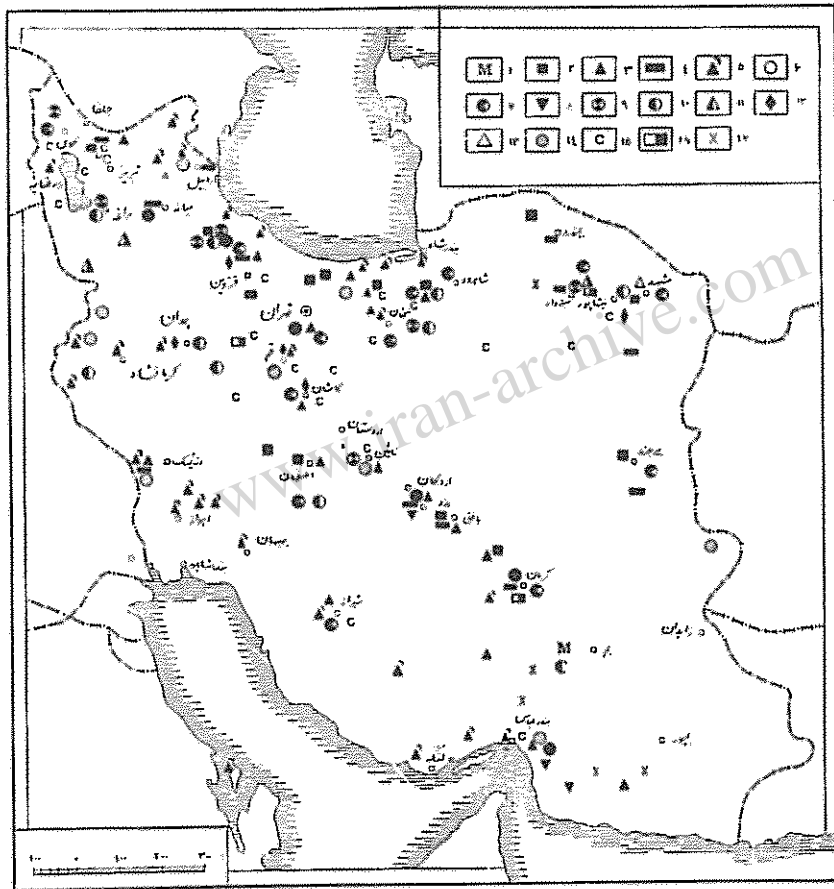
##### مضمون تحولات سالهای اخیر کشور

طی ده سال اخیر در اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور تحولاتی روی داد که مضمون اساسی آن ، چنانکه بارها حزب توده ی ایران اعلام داشته ، مبارزه است از بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و زوال تدریجی مناسبات فئودالی .  
تحولات مزبور ناگزیر ساختمان جامعه ی نیمه فئودال ایران را نیز دستخوش تغییراتی ساخته است که انجام یافتن و شکل گرفتن نهائی آن بادرجه ی سرعت نفوذ و محق رسوخ مناسبات تولیدی جدید بستگی تام دارد . به همین جهت میتوان گفت که جامعه ی ایران اکنون یک دوران انتقالی را طی میکند .  
اقدامات اقتصادی و تدابیر اصلاحی رژیم ، بجزیره طی سالهای اخیر معطوف به برانگیختن وساطتی بمنظور تسریع این پروسه ی گذار ، در عین حال حفظ منافع اساسی طبقات و قشرهای استثمارگر داخلی و سرمایه — داری خارجی بوده است .

#### از سند اصلی جلسه ی مشاوره ی احزاب برادر :

##### شیوه های نو استعماری

در مبارزه علیه جنبش آزاد بیخش ملی ، امپریالیسم از یکسویا سرسختی از بازمانده های استعمار دفاع میکند و از سوی دیگر کوشاست با شیوه های نو استعماری راه ترقی اقتصادی و اجتماعی را بپرکشورهای رشد یابنده ، پرکشورهاییکه حاکمیت ملی کسب کرده اند ، ببندد . بدین منظور از محافل ارتجاعی حمایت میکند ، از لغو نظامهای اجتماعی عقب مانده جلو میگیرد و میکوشد بر سر راه رشد بسوی سوسیالیسم بسا راه مترقی و غیر سرمایه داری که در نفعای سوسیالیستی میگشاید ، ایجا د موانع و دشواری کند .  
امپریالیستها بر این کشورها قرارداد های اقتصادی و پیمانهای نظامی — سیاسی ناقصی حق حاکمیت آنها تحمیل مینمایند ، از طرف صد و سرمایه ، شرایط نابرابر در بازرگانی ، بازی قیمتها و کسورس ارزها ، وامها ، از طریق اشکال گوناگون با اصطلاح " کمک " و تضییقات سازمانهای مالی بین المللی ، این کشورها را استثمار میکنند .



- ۱ - مولیندن
- ۲ - زغال سنگ
- ۳ - آهن
- ۴ - مس
- ۵ - نفت
- ۶ - منگنز
- ۷ - سرب
- ۸ - نیکل
- ۹ - انواع فلزات
- ۱۰ - طلا
- ۱۱ - جیوه
- ۱۲ - گرافیت
- ۱۳ - طلق نموز
- ۱۴ - گوگرد
- ۱۵ - نمک
- ۱۶ - فیروزه
- ۱۷ - کرم

۲- مشخصات عمومی اقتصاد ایران

ایران از لحاظ اقتصاد ی کشور یست عقب مانده \* تولید ناخالص ملی سرانه در ایران در حدود ۳۰۰ دلار یعنی ۶- ۵ بار کمتر از سطح متوسط کشورهای پیشرفته ی صنعتی است.  
چگونگی توزیع نیروی کار میان رشته های مختلف و ترکیب تولید ملی ایران حاکی از عقب ماندگی اقتصادی این کشور و همچنین بین عدم تناسب کامل میان رشته های مختلف فعالیت تولیدی کشور است.

عقب ماندگی  
اقتصادی

توزیع نیروی کار و ترکیب تولید ملی ایران در پایان برنامه ی سوم ( ۱۳۴۶ ) \*

	تعداد شاغلین ( ۱۳۴۵ )		تولید ناخالص ملی بقیمت جاری	
	هزار نفر	%	میلیارد ریال	%
کشاورزی	۳۱۶۹	۴۶٫۲	۱۲۸٫۳	۲۳٫۳
محصولات معدنی	۱۹	۰٫۳	۱٫۷	۰٫۳
محصولات صنعتی	۱۲۳۱	۱۷٫۹	۷۲٫۲	۱۳٫۱
نفت ( سهم ایران )	۴۴	۰٫۶	۷۳٫۰	۱۳٫۲
ساختمان	۵۱۰	۷٫۴	۲۸٫۵	۵٫۱
آب و برق	۵۲	۰٫۷	۷٫۹	۱٫۴
حمل و نقل و ارتباطات	۲۲۴	۳٫۳	۲۷٫۰	۴٫۹
بانکداری و بیمه گری	۳۴	۰٫۵	۱۶٫۱	۳٫۰
بازرگانی	۵۱۸	۷٫۶	۵۶٫۲	۱۰٫۲
خدمات دولتی	۵۳۳	۷٫۸	۵۸٫۹	۱۰٫۷
خدمات خصوصی (شامل کرایه )	۳۹۶	۵٫۸	۵۳٫۳	۹٫۷
فعالیتها روشن نشده	۱۲۸	۱٫۹	-	-
اشتباهات آماری	-	-	-۱۰٫۳	-۱٫۹
خالص مالیاتهای غیر مستقیم	-	-	۳۹٫۳	۷٫۱
خالص درآمد عوامل تولید از خارج	-	-	-۳٫۲	-۰٫۵
جمع	۶۸۵۸	۱۰۰-	۵۴۹٫۴	۱۰۰-

\* از آنجا که با پایان سال ۱۳۴۶ مرحله ی معینی از رشد اقتصاد ی ایران (برنامه ی سوم) پایان می یابد و همچنین از آنجا که آمارهای مربوط باین دوره کاملترین آمارهایی منتشره در ایران بوده و آمارهای مربوط به سالهای بعد اغلب جنبه ی تخمین دارد در این بررسی بطور عمد به آمارهای این دوره استناد خواهد شد.

کشاورزی هم از لحاظ نیروی کار شاغل در آن و هم از لحاظ تولید ملی بزرگترین سهم را در فعالیت اقتصادی کشور دارد. بیش از ۶۶ درصد شاغلین کشور در رشته ی کشاورزی فعالیت میکنند و ۱۳٫۲ درصد تولید ملی را ایجاد میکنند. سهم کشاورزی در تولید ملی که ۵۰ درصد سهم آن از لحاظ نیروی کار است، در رجن حال عقب ماندگی کامل کشاورزی ایران را نشان میدهد.

صنایع نفت که ۱۳٫۲ درصد تولید ناخالص ملی را تأمین میکند، مقام دوم را در اقتصاد کشور دارد. این امر حاکی از رشد یکجانبه ی اقتصاد صنعتی ایران و تسلط صنایع استخراجی در آنست.

صنایع تبدیلی از لحاظ نیروی کار مقام دوم (۱۷٫۹ درصد) و از لحاظ تولید مقام سوم (۱۳٫۱ درصد) را در اقتصاد کشور اشغال میکنند. مقایسه ی این دو رقم بازده ناچیز این رشته ی حیاتی و بنابراین عقب ماندگی آنرا به ثبوت میرساند. اکثریت مطلق کسانیکه در صنایع فعالیت تولیدی مشغولند، در کارگاههای کوچک و بزرگ با ابزار دستی بتولید میپردازند و سهم نسبتا ناچیزی در تولید ملی دارند.

خدمات دولتی ۸٫۷ درصد شاغلین کشور را در خود متمرکز ساخته است و سهم آن در تولید ملی به ۱۰٫۷ درصد میرسد. خدمات دولتی از لحاظ نیروی کار مقام سوم و از لحاظ "تولید ملی" مقام چهارم را در کشور دارد. این ارقام حاکی از بیوریکراتیزه و میلیتاریزه شدن بخش بزرگی از فعالیت اجتماعی کشور در سایه ی تسلط رژیم کنونی است.

بنابراین اقتصاد ایران، اقتصاد پست عقب مانده و مسخ شده ی تولید کشاورزی در آن تسلط دارد، صنایع استخراجی (فقط نفت) در آن رشد یکجانبه یافته است، در راه صنعتی شدن کشور گامهای اولیه برداشته میشود، بیوریکراتیسم و میلیتاریسم از مشخصات آنست.

اقتصاد ایران، اقتصاد پست وابسته به اقتصاد کشورهای امپریالیستی و این وابستگی عامل عمده ی عقب ماندگی و مسخ شدن اقتصاد کشور است.

وابستگی  
اقتصادی

سرنوشت تولید و فروش نفت، پرارزشترین منابع طبیعی کشور میهن ما که سالانه در حدود ۲۱ درصد تولید داخلی کشور ما را تشکیل میدهد (\*\*\*)، در دست انحصارهای نفتی جهان سرمایه دار است. برای واگذاری سایر منابع طبیعی کشور ما از قبیل معادن مس و منابع جنگلی و زمینهای بکر و آبهای سد های ساخته شده به انحصارهای کشورهای امپریالیستی اقدامات وسیعی از طرف رژیم کنونی بعمل میآید.

نفوذ امپریالیسم در سایر رشته های تولیدی از قبیل صنایع و کشاورزی در حال افزایش است. خالص سرمایه گذارها و وامهای خصوصی انحصارهای خارجی از سال ۱۳۴۵ تا نیمه ی دوم سال ۱۳۴۸ به ۶۴٫۷ میلیون دلار بالغ شده است که تقریبا ۶ برابر خالص سرمایه گذارهای خصوصی خارجی طی ۶ سال قبل از ۱۳۴۵ میباشد. اکنون در راه تشکیل کنسرسیومی از بزرگترین انحصارات امریکا برای سرمایه گذاری در رشته های پر درآمد نامهای علی برداشته شده است. انحصارات خارجی و رژیم کنونی میخواهند با استفاد از منابع غنی، مواد اولیه ی فراوان، نیروی کار ارزان، بهای نازل حمل و نقل در ایران (وابسته "ثبات" سیاسی منگی به سرنیزه |) ایران را به پایگاه فروش اقتصادی به کشورهای همجوار مبدل سازند. گفته میشود این کنسرسیوم در نظر دارد یک میلیارد دلار در ایران سرمایه گذاری کند. برای پی بردن به اهمیت این رقم کافیست گفته شود که سرمایه گذارهای مستقیم بخش خصوصی ایالات متحد ه ی امریکا در سراسر آسیا تا سال ۱۹۶۷ برابر ۴٫۳ میلیارد دلار و در سراسر

(\*) خدمات دولتی نیز مانند برخی خدمات دیگر، رشته ی مولد نیست. مافوق برای نمایش وضع کنونی اقتصاد کشور باین ارقام استناد میوزیم.

(\*\*) با تولید ملی اشتباه نشود. تولید داخلی از جمله شامل تمام ارزش افزوده ی نفت است. ولی تولید ملی فقط شامل سهم ایران از درآمد نفت است.



میدان نقش جهان اصفهان

افریقا ۲۳ میلیارد دلار بود. میزان این سرمایه‌گذارها در آلمان غربی تا سال ۱۹۹۸ برابر ۳٫۸ میلیارد دلار، در فرانسه ۱٫۹ و در ایتالیا ۱٫۳ میلیارد دلار بود.

عده‌ترین کشورهای سرمایه‌داری بیش از ۷۷ درصد بازاریارواری ایران را در دست دارند. از ویژگیهای وابستگی بازرگانی خارجی ایران در سالهای اخیر اینست که این وابستگی که در سابق بطور عمد و مربوط به کالاهای مصرفی بود، اکنون به وابستگی کامل رشته‌های تولیدی انجامیده است. رشته‌های تولیدی از لحاظ ماشین‌آلات و تجهیزات و حتی در مواردی از لحاظ مواد اولیه وابسته به صنایع کشورهای امپریالیستی هستند. در سال ۱۳۴۶ از ۲۲٫۱ میلیارد ریال بهای ماشین‌آلات و لوازم صنعتی و معدنی که در ایران سرمایه‌گذاری شد، ۲۱٫۶ میلیارد ریال یا تقریباً ۹۸ درصد آن از طریق واردات تأمین گردید. اکنون رشته‌های تولیدی در ایران بیش از پیش به زائد می‌تولید کشورهای امپریالیستی بسدل میشود و تجدید تولید کشور از قبیل تجدید تولید انحصارهای خارجی انجام میگردد.

علاوه بر آنکه وابستگی‌های اقتصادی، سیستم پولی ایران را تابع سیستم ارزی بزرگترین کشورهای امپریالیستی نموده است، به دامنه‌ی فعالیت سرمایه‌های خارجی در حیات مالی کشور نیز افزوده شده است. سرمایه‌های خارجی از طریق ایجاد بانکهای مختلط در رشته‌های مالی و پولی کشور نفوذ کرده‌اند و تا ۴۹ درصد سرمایه‌ی این بانکها در دست سرمایه‌گذاران خارجی است. بانکهای مختلط ۱۰ درصد سرمایه‌های پرداخت شده‌ی تمام بانکهای ایران را در دست دارند، ولی میدان عمل آنها وسیعتر از حد و سرمایه‌گذاری آنهاست. زیرا مثلاً در سال ۱۳۴۶ در حدود ۱۳٫۲ درصد تمام دارائیها و ۱۲٫۲ درصد اعتبارات بخش خصوصی را در دست خود متمرکز ساخته بودند.

بودجه‌ی دولت که بخش عظیمی از درآمد ملی را مصرف میکند، بصورت مختلف وابسته به کشورهای امپریالیستی است. در برنامه‌ی چهارم از ۱۴۴ میلیارد ریال درآمد سازمان برنامه ۷۶ میلیارد ریال (۵۳ درصد) از محل درآمد‌های نفت که سرنوشت آن در دست کارتهای نفتی است، تأمین خواهد شد و بیش از ۳۳ میلیارد (۲۳ درصد) نیز از طریق وامهای خارجی. یعنی ۷۶ درصد بودجه‌ی عمرانی کشور باید از قبیل "مراحم" کشورهای امپریالیستی تأمین گردد. وامهای خارجی دولت ایران از کشورهای امپریالیستی سال بسال افزایش مییابد. دولت ایران از سال ۱۳۴۵ تا نیمه‌ی دوم سال ۱۳۴۸ جمعا ۱۲۲۸ میلیون دلار وام دراز مدت دریافت داشته است که بیش از ۷۰ برابر تمام وامهایی است که طی ۱۲ سال قبل از ۱۳۴۵ دریافت داشته بود.

اکنون وابستگی اقتصادی کشور به دول امپریالیستی بحدی افزایش یافته که علاوه بر سرنوشت تمام اقتصاد و برنامه‌های ایران بدست کشورهای امپریالیستی افتاده است. تلاشهای پرتب و تاب محافل اقتصادی رژیم در مذکرات آشکار و پنهان با محافل نفتی و مؤسسات مالی کشورهای امپریالیستی برای بالا بردن میزان درآمد نفت و اخذ وامهای دولتی و جلب سرمایه‌های خصوصی وابستگی مطلق کشور را به انحصارهای خارجی به ثبوت میرساند.

نتیجه‌ی مستقیم این وابستگی، ثابت درآمد ملی ماست. مطابق آمارهای رسمی فقط طی سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۱ یعنی در ظرف شش سال مبلغ ۲۱۷ میلیارد ریال از درآمد ملی ما بصورت مختلف بدست انحصارهای خارجی از کشور ما خارج شده است. این رقم بیش از ۸ درصد تولید داخلی کشور ما، ۲۵ درصد بیش از سرمایه‌گذارهای ثابت بخش دولتی و تقریباً ۵۰ درصد تمام سرمایه‌گذارهای ثابت داخلی کشور در این مدت است. حال چگونه میتوان از نتایج مثبت اینگونه مناسبات اقتصادی و بازرگانی یا عبارت دقیقتر اینگونه وابستگی برای رشد اقتصادی کشور صحبت داشت؟

نتیجه‌ی مستقیم دیگر این وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی کشور به سیاست‌ها و استراتژی جهانی کشورهای عمده‌ی امپریالیستی است. شرکت در پیمانهای نظامی، همکاری با امپریالیسم و همکاری با آنتی‌کمونیسم بین‌المللی از مشخصات سیاست خارجی دولت ایرانست که به پیروی از

استراتژی جهانی دولت امپریالیستی و برای حفظ منافع رژیم کنونی و پایگاه‌های اجتماعی آن اعمال می‌کند.<sup>\*</sup>  
 البته، ایران اکنون دیگر فقط آماج سیاست‌های امپریالیستی نیست، بلکه رژیم حاکم بر آن خود در اجرای استراتژی جهانی کشورهای  
 عده‌ی امپریالیستی هم در داخل کشور و هم در خارج از مرزهای آن نقش فعال بعهده گرفته است. و این امر خلط شد ملی و ارتجاعی سیاست  
 خارجی رژیم را شدیدتر می‌کند (\*).

میلیتاریزه شدن اقتصاد ایران را نباید به معنای کلاسیک آن فهمید. سطح رشد صنایع ایران چنان نیست که بتواند  
 باتوسعه‌ی صنایع نظامی اقتصاد خود را میلیتاریزه کند. میلیتاریزه شدن اقتصاد ایران از طریق افزایش بودجه‌ی  
 نظامی دولت که از لحاظ مالی نیرومندترین بخش اقتصاد کشور بوده و در حدود ۴۰ درصد تولید ملی را بصورت مختلف  
 در دست خود متمرکز کرده است، انجام می‌گیرد. و این امر از عواقب وابستگی اقتصادی و سیاسی رژیم کنونی —  
 امپریالیسم جهانی است. از ۱۴۱ میلیارد ریال بودجه‌ی عادی کشور در سال ۱۳۴۹ در حدود ۵۱ میلیارد ریال یعنی بیش از ۳۶ درصد  
 صرف امور نظامی خواهد شد. بودجه‌ی نظامی ایران بیش از ۶ درصد تولید ملی کشور است. برای مقایسه، ذکر این نکته را لازم میدانیم که هزینه‌ها  
 نظامی تمام کشورهای رشد یافته‌ی جهان سرمایه‌داری ۶۱ درصد تولید ملی آنانست و از جمله در اروپای غربی ۴۳ درصد و در ایالات متحده‌ی  
 آمریکا ۸۵ درصد. در ارتش ایران در سال ۱۳۴۷ در حدود ۲۲۱ هزار نفر خدمت می‌کردند (در نیروهای زمینی ۲۰۰ هزار نفر، در نیروی هوایی  
 ۱۵ هزار نفر و در نیروی دریائی ۶ هزار نفر).

علاوه بر هزینه‌های مستقیم نظامی، بخش بزرگی از هزینه‌های دیگر دولت، خصوصاً هزینه‌های سنگین آن در رشته‌ی حمل و نقل و ارتباطات  
 در راه امور نظامی مصرف می‌شود. ایجاد شبکه‌ی وسیعی از فرودگاه‌های بزرگ و دستگا‌ه‌های نیرومند مخابراتی و ارتباطی بطور عمده برای ایجا  
 د انفراساختور نظامی انجام می‌گیرد.

نظامی کردن اقتصاد دولت فقط بمنظور سرکوب جنبشهای داخلی نیست، بلکه هدفهای وسیعتری از جمله مقاصد سیطره جویانه در خلیج  
 فارس، کمک به تحکیم مواضع امپریالیسم در این منطقه بدست نیروهای محلی و مقابله با جنبشهای آزاد بیخشم ملی در کشورهای همجوار را نیز  
 تعقیب میکند.

اقتصاد ایران در راه سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم رشد میکند. این راهیست که هم منافع رژیم کنونی و طبقات و  
 قشرهای حاکم بر ایران و هم منافع اقتصادی و استراتژیک امپریالیسم جهانی را تأمین میکند. تمام سیاست اجتماعی  
 و اقتصادی و مالی دولت در چند سال اخیر در جهت تسریع رشد سرمایه‌داری و پیوند دادن منافع سرمایه‌داری آن  
 بزرگه داخلی با منافع انحصارهای خارجی عمل کرده است.

اصلاحات ارضی نخستین گام بزرگ اجتماعی برای تسریع رشد سرمایه‌داری در ایران بود. در روستای ایران طبرختم تسلط مناسبات ارباب — رعیتی و  
 حتی تا حدی در ریزتو این مناسبات قشرهای نسبتاً وسیع و نیرومندی از بورژوازی خرد و متوسط و کلان بوجود آمد. بود که فقط از طریق استثمار  
 کارگران روستائی فاقد وسایل تولید میتوانستند به بهره‌برداری از زمینهای تحت اختیار خود بپردازند. مطابق آمارهای تخمینی سال ۱۳۳۹، در  
 آستان اصلاحات ارضی خانوارهایی که بیش از ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشتند ۱۸ — ۱۷ درصد تمامی خانوارهای بهره‌بردار زمین را تشکیل  
 میدادند و در حدود ۶۰ — ۵۵ درصد تمام اراضی مورد بهره‌برداری را در اختیار داشتند. باید یادآور شویم که حق بهره‌برداری از زمین بمعنای

(\* در زمینه‌ی همین بحث رجوع کنید به بررسی مربوط به پایگاه‌های امپریالیسم در ایران در همین سالنامه.

مالکیت بر آن نیست. چنانکه اتمام زمینهای مورد بهره برداری فقط ۲۸ درصد تحت مالکیت بهره برداران بوده و مابقی بصورت مزارعه و یا اجاره ی عادی در دست بهره برداران قرار داشت ( ۶۱۳ درصد بصورت مزارعه و ۹ درصد بصورت اجاره ی عادی). این قشرهای پربروزتریده مناسباً مبتنی بر مزارعه و اجاره ی عادی راهم بعلت پرداخت بهره ی مالکانه که بخشی از درآمد آنانرا نصیب مالک زمین میکرد و هم بعلت وجود مالکیت های بزرگ اربابی و تسلط حق نسق که شکل حقوقی سنتی برای بهره برداری از زمین اربابی بود و مانع انتقال آزاد تر و وسیعتر زمین به آنها میگردد، سد راه پیشرفت سریع خود میدانستند. خواسته های سود جو یانه ی این قشرها با تقاضاهای طبیعی و مبارزات حقه ی اکثریت مطلق دهقانان کم زمین ( ۷۲-۷۱ درصد تمام خانوارهای بهره بردار زمین) و یاکارگران کشاورزی فاقد زمین (که تعداد آنان در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۷۹۰ هزار نفر بالغ میگردد) برای بدست آوردن قطعه ی کوچکی زمین و همچنین مقتضیات رشد سرمایه داری در شهرکها امکان و توان بیشتری برای توسعه یافته بود و قشرهای معینی از سرمایه داران را برای توسعه ی بازار داخلی در برانداختن نظام کهنه در روستا ذینفع میساخت، همراه با مجموعه ی اوضاع اجتماعی و سیاسی داخلی و عوامل سیاسی و اقتصادی خارجی مؤثر در ایران مسئله ی پایان دادن به نظام ارباب - رعیتی را در دستور روز قرار داد. بون برانداختن نظام فئودالی یا نیمه فئودالی از وظایفی است که سرمایه داری همیشه در پیازود ناگزیر به انجام آن بوده است. در شرایط مآلجه داری اهمیت اساسی است، برانداختن این قبیل مناسبات نیست، بلکه چگونگی مناسباتی که جانشین مناسبات کهنه میگردد، حفظ اهمیت عدل است. رژیم کنونی نظام منحوس سرمایه داری را جانشین نظام پوسیده ی ارباب - رعیتی میسازد.

اقدامات ناپیگیر و مخدوش دولت در راه اصلاحات اداری و آموزشی و بهداشتی و برخی اصلاحات اجتماعی د بگرهنگی بمنظور ایجاد شرایط اجتماعی مساعدتر برای تسریع رشد سرمایه داری در ایران انجام میگردد.

در زمینه ی اقتصادی نیز دولت بوسایل گوناگون به بسط سرمایه داری و پیوسته به تقویت بیش از پیش سرمایه داری بزرگ و وابسته بسط امپریالیسم کمک میکند. ایجاد شرکتهای سهامی زراعی و واحد های کشت و صنعت در روستا، تشویق سرمایه گذارهای بزرگ از راه تشکیل شرکتهای سهامی و بخصوص شرکتهای سهامی عمومی، تشویق و جلب سرمایه های خصوصی خارجی برای ایجاد مؤسسات مختلف ایرانی و خارجی (کمپرادوریز کردن صنایع داخلی)، اقدام اطرافهای بازرگانی و صنایع و معادن برای ایجاد هماهنگی میان این دو بخش رقیب و اقدامات دیگری که در این زمینه انجام میگردد، همگی در جهت اجرای این سیاست استراتژیک دولت است. بودجه ی چند میلیاردی دولت در خدمت این هدف قرار گرفته است. اعطای امتیازات و وامهای بزرگ درازمدت، قائل شدن امتیازات مالیاتی و بخشودگیهای گهرگی، فراهم آوردن تسهیلات فراوان برای شرکتهای سهامی بزرگ، دادن کمکها و راهنمایی های فنی، ایجاد شرایط مساعد بی نظیر برای سرمایه های خارجی و غیره اقدامات و تدابیر مشخصی است که دولت برای توسعه و پیشرفت سرمایه های بزرگ داخلی و خارجی در ایران انجام میدهد.

نقش اقتصاد  
دولتی

سرمایه داری دولتی در ایران نقش بزرگی در اقتصاد کشور دارد. طی ۸ سال ۱۳۴۵-۱۳۳۸ میزان سرمایه گذاری - های ثابت بخش دولتی ۱۹۳ میلیارد ریال یا بیش از ۳۵ درصد مجموع سرمایه گذارهای ثابت کشور بود. در برنامه ی چهارم از ۸۱۰ میلیارد ریال سرمایه گذارهای ثابت ۴۴۳ میلیارد یا تقریباً ۵۵ درصد از طرف دولت

انجام خواهد گرفت.

ولی نقش دولت در تولید مادی متناسب با میزان سرمایه گذارهای آن نیست. زیرا قسمت عظیم سرمایه گذارهای دولت برای ایجاد انفراساختورتیور انجام میگردد. سرمایه گذارهای دولت بیشتر در رشته های است که برای پیشرفت کار بخش خصوصی ضروری بود. ولی اقدام بیان فعلاً بهره ی سرمایه داران خصوصی نیست. مقایسه ی چگونگی سرمایه گذارهای بخش خصوصی و بخش دولتی در رشته های مختلف طی برنامه ی چهارم این حقیقت را نشان میدهد.



سرمایه گذاری ثابت بخش‌های خصوصی و دولتی طی برنامه چهارم  
(به میلیارد ریال)

جمع	بخش دولتی	بخش خصوصی	
۲۱۱	۲۵۰	۴۱	کشاورزی
۲۰۷۰	۸۶۷	۱۲۰۳	صنایع و معادن
۹۴۱	۴۲۳	۵۲۳	نفت و گاز
۹۹۶	۹۸۴	۱۲	آب و برق
۱۰۵۵	۸۵۵	۲۰۰	ارتباطات و حمل و نقل
۲۷۸	۲۷۸	-	مخابرات
۳۱۱	۲۵۸	۵۳	عمران دهات و شهرها
۸۶۵	۲۰۱	۶۶۴	ساختمان و مسکن
۹۱۸	۳۱۹	۵۹۹	سایر سرمایه گذاریها
۸۱۰۰	۴۴۳۵	۳۶۶۵	جمع کل

بطوریکه ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد، دولت در رشته‌های پر هزینه‌ای مانند ارتباطات و حمل و نقل و مخابرات و عمران دهات و شهرها و آب و برق که در عین حال شرایط مساعد برای فعالیت بخش خصوصی فراهم می‌آورد ۲۳۷۵ میلیارد ریال (بیش از ۵۳ درصد تمام سرمایه گذاریهای دولت) سرمایه گذاری خواهد کرد. سرمایه گذاری دولت در رشته‌های کشاورزی نیز بطور عمدی برای ایجاد شرایط لازم برای سرمایه‌گذاریهای خصوصی خواهد بود و نه برای شرکت مستقیم در تولید کشاورزی.

علاوه بر این میزان سرمایه گذاریهای دولتی بحالت سنگینی هزینه‌های نظامی و اداری و کذب‌های مالیاتی ب سرمایه داران، کمتراز امکانات واقعی آنست. چنانکه از ۲۷۲ میلیارد ریال بودجه‌ی عادی و عمرانی دولت در سال

۱۳۲۹ فقط ۱۴۴ میلیارد ریال سهم سازمان برنامه خواهد بود که تازه ۴۲٫۴ میلیارد ریال آن از طریق وام‌های خارجی و ۳۲٫۷ میلیارد ریال نیز از راه وام‌های داخلی تأمین خواهد شد. یعنی در واقع دولت فقط ۷۸ میلیارد ریال از محل درآمد‌های واقعی خود که ۷۶ میلیارد آن نیز از محل درآمد نفت است، صرف سرمایه گذاری و امور عمرانی خواهد کرد. در عین حال هزینه‌های اداری و نظامی دولت به ۷۷ میلیارد ریال بالغ می‌گردد که در رشد هزینه‌های اقتصادی کشور است. در واقع اگر دولت از درآمد نفت بهره‌مند نبود، برای سرمایه گذاری دولتی هیچگونه امکانی در دست نداشت. بطوریکه میدانیم در کشورهای نظیر هند وستان که از درآمد‌های استثنائی نظیر درآمد نفت محروم هستند، دولت سالانه مبلغ هنگفتی از درآمد‌های عادی خود را سرمایه گذاری میکند و بخش دولتی در آنها بزرگ قابل ملاحظه‌ای بدست آورده است.

پائین بودن سطح مالیاتهای مستقیم در ایران که فقط به ۱٫۷ درصد تولید ملی بالغ میشود و در واقع کشتی بسپود درآمد‌های بزرگ میباشد یکی دیگر از عواملی است که امکان دولت را در سرمایه گذاری محدود می‌سازد. مالیاتهای مستقیم یکی از منابع عمده‌ی درآمد دولت در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی است. این نوع مالیاتها به ۱۹ درصد تولید ملی در آمریکا، ۱۷ درصد تولید ملی در انگلستان و ۱۶ درصد تولید ملی در فرانسه بالغ میشوند. فقط دسترسی به منابع استثنائی درآمد نفت باعث شده است که دولت ایران از یکی از منابع عادی درآمد‌های دولتی کشورهای سرمایه‌داری بفتح ثروتمندان آن کشور تقریباً چشم‌پوشد.

شرکت مستقیم دولت در راه تولید بی‌غلی الاصول در رشته‌هاییست که بخش خصوصی قادر و یا بحملی مایل ب سرمایه گذاری در آن نباشد.

سیسر مسایه گذاری نسبتاً هنگفت دولت در رشته‌ی صنایع و معادن در برنامه‌ی چهارم به طت ایجاد صنایع سنگین از قبیل ذوب آهن و ماشین سازی و پتروشیمی است که بخش خصوصی فعلاً از عهد ه ی آن برنمی آید.

دولت ایران حتی از سال ۱۳۴۱ بفروش کارخانه های موجود خود اقدام نمود. رژیم کنونی برای تقویت بیشتر بخش خصوصی در او ا خسر سال ۱۳۴۸ تصمیمات تازه ای اتخاذ کرد که مطابق آن "دولت جز در موارد معین مستقلاً سرمایه گذاری نخواهد کرد". سرمایه گذاریهای صنعتی دولت مشترکاً با بخش خصوصی انجام خواهد گرفت" و "در این سرمایه گذاریها اکثریت سهام به بخش خصوصی واگذار خواهد شد".

دولت ایران با سیاست اقتصادی و مالی و همچنین از طریق سرمایه گذاریهای مستقیم خود نقش مؤثری در رشد نقش ارشادی اقتصادی کشور ایفا میکند. اکنون برای هماهنگ ساختن فعالیتهای اقتصادی و مالی دولت و ارشاد مجموعه ی اقتصاد و اموریالی کشور برنامه هائی تنظیم و بمرحله ی اجرا گذارد ه میشود.

برنامه های صرانی که شامل خطوط کلی جوانب کیفی رشد اقتصاد ی کشور و پیش بینی مشخص جوانب کمی برخی از عوامل این رشد است ، منعکس کننده ی هدف های اقتصادی و اجتماعی و شیوه های ارشادی دولت در نیل به این هدف هاست.

برنامه ی ریزی در ایران مراحل چند ی را طی کرده است. برنامه های اول و دوم که شامل بخش خصوصی نبود و به مسائل عمومی اقتصاد کشور توجه نداشت ، فقط متضمن طرحهای معینی بود که با سرمایه گذاری دولت میبایست بمرحله ی اجرا در آید.

برنامه های سوم و چهارم تمام اقتصاد کشور و از جمله بخش خصوصی راد بربر میگردد و از سال ۱۳۴۴ در کار تنظیم بود چه نیز تغییرات جدی بعمل آمد و نحوه ی تنظیم بود چه با حواج برنامه ریزی هماهنگ شده است. در تنظیم برنامه ی سوم اولین بار از الگوهای آگونیتری ساده و ابتدائی

هارود - د ومار برای تعیین تناسبات لازم میان نرخ انباشت ، ضریب سرمایه ، آهنگ رشد جمعیت و آهنگ رشد درآمد ملی استفاده شده بود. ولی در این برنامه مسئله ی اساسی ایجاد تعادل و هماهنگی میان رشته های تولیدی و توزیع نیروی انسانی مورد توجه قرار نگرفته بود. در برنامه ی

چهارم که بر پایه الگوهای بخرن جتری تنظیم شده و از محاسبات مربوط به تعادل نهائی مصرف و پس انداز و غیره و ضریب کشش تقاضاهای کالاها و خدمات مختلف استفاده گردیده ، میزان رشد و چگونگی تناسبات میان رشته های مختلف تولیدی و توزیع نیروی دار نیز پیش بینی شده است.

اکنون برای استفاده از جدول روابط میان رشته ها و بخشهای تولیدی که به جدول صادرات و واردات و یا جدول داده ها و ستاد های لئونتیف شهرت دارد و در بهبود کار برنامه ریزی مؤثر است ، کوششهای پراکنده بعمل میاید. ولی بهبود تکنیک برنامه ریزی و استفاده از فرمولهای ریاضی ، هر قدر هم به استحکام برنامه ها و دقت ریاضی آنها بیفزاید ، تا میرچند آن در عملی بودن این برنامه ها نخواهد داشت ، زیرا رمز اساسی در شرایط

اجتماعی اجرای این برنامه هانتهفته است و نه در دقت ریاضی تنظیم آنها.

با اینکه برنامه های ایران بتصویب قوای مقننه میرسد ، یعنی جنبه ی قانونی و حتی الاجراید امیکند ، جز در بخش دولتی که تا حدودی این برنامه هانجه یی در برکتیو دارند ، فقط خصلت راه نما و ارشادی و با اصطلاح اقتصاد دانان بجزوائی جنبه "اندیکاتیو" دارند. زیرا بخش خصوصی رانمیتوان با اجرای این یا آن طرح موظف ساخت. دولت فقط با استفاده از اهرمهای اقتصادی نظیر سیاستهای مالیاتی و گمرکی و اعتباری و پولی و بانکهای مستقیم و با سرمایه گذاریهای خود میتواند بخش خصوصی را بطور غیر مستقیم در جهت مورد نظر خود سوق دهد و نتایج این کار نیز

نسبی است.

دولت ایران برای انتظام امور اقتصاد ی بخش خصوصی به برخی تدابیر صرفاً اداری نیز متوسل میشود که اجازه ی صدور پروانه ی تأسیسات و یا پروانه ی بهره برداری از آنها و نیز ایجاد آزادی و یا ممنوعیتهای قانونی برای وارد کردن برخی کالاها از اهم این تدابیر است. ولی

نتایج مثبت احتمالی این قبیل تدابیر اداری نیز در اثر تضاد های موجود میان صاحبان صنایع و بازرگانان وارد کنند ه و یار د اخل هر یک از این

رشته ها که بصورت مختلف در دستگاهاهای دولتی نیز منعکس میشود و بصورت تصمیمات خلق الساعه و متضاد و تغییرات دائمی در این تصمیمات ملاحظه میگردد، تاحدود زیادی خشنی میگردد. این عامل ذهنی نه تنها به هرج و مرج و تضادهای ناشی از قوانین رشد اقتصادی سرمایه داری پایان نمی بخشد، بلکه خود تاحدود بی شدت آن می افزاید.

پیش بینی های برنامه ها در مورد بخش دولتی نیز همیشه در جهت مورد نظر دولت قابل اجرا نیست، زیرا سرمایه گذارهای دولت به میزان زیاد به وامهای داخلی و خارجی و بطور کلی بوضع عمومی اقتصاد کشور وابسته است. در ماهها و سالهایی که در نتیجه ی تشدید فعالیت بخش خصوصی آثار تورمی پدید می آید، دولت از میزان سرمایه گذارهای خود میکاهد و برعکس در دوران تخفیف فعالیت بخش خصوصی برای ایجاد تحرك بیشتر در اقتصاد سرمایه گذارهای خود میافزاید. یعنی سرمایه گذارهای دولت عملاً تابعی است از وضع عمومی اقتصاد کشور و بویژه از فعالیت بخش خصوصی. و این یکی از مشخصات عمومی برنامه ریزی در کشورهای سرمایه داری است. تنظیم اقتصاد کشور زمانی انجام میگردد که رشد ادواری اقتصاد یکی از مراحل نهایی خود - رکود یا رونق تهدید کند و نزدیک شد باشد.

تغییرات مکرری که در برنامه های دوم و سوم وارد شد و با افزایش سرمایه گذارهای بخش خصوصی تاد و برابر میزان پیش بینی شد و نه برنامه ی سوم حاکی بر این امر است.

با اینهمه نباید از اهمیت علی برنامه ریزی در ایران کاست. این برنامه ها حائز ارزاشن هدف و کوشش در راه رسیدن باین هدف است و دولت نیز با استفاده از امکانات مالی و اهرمهای اقتصادی خود میتواند مجموعه ی اقتصاد کشور را بواجود نوسانات و ناهماهنگی های گاه شدیده گساة خفیف در جهت مورد نظر خود سوق دهد.

اقتصاد ایران در سالهای اخیر از تحرك نسبتاً قابل ملاحظه ای برخوردار است. تولید ناخالص ملی در دوره ی برنامه آهنگ رشد سوم بطور متوسط هر ۸ درصد در سال افزایش یافته و در سالهای بعد نیز آهنگی بیش از ۸ درصد در سال داشته است.

افزایش تولید ملی در دوره ی اول بحساب افزایش درآمد نفت (۱۳ درصد در سال) و خدمات دولتی (۸ درصد در سال) و مالیاتهای غیرمستقیم (۱۳ درصد در سال) انجام گرفته است.

افزایش سریعتر درآمد نسبت به تمام اقتصاد کشور وابستگی مبین ما را به اقتصاد نفت و بالتبع به انحصارهای اهرمیالیمتی افزایش داده است. سهم درآمد نفت در تولید ناخالص ملی از ۱۳٪ در آغاز برنامه ی سوم به ۶۵ درصد در پایان آن افزایش یافت. افزایش سریع خدمات دولتی و مالیاتهای غیرمستقیم نیز که بمعنای افزایش تولید مادی جامعه نیست حاکی از تورم دستگاها اداری نظامی و تشدید فشار بر توده های زحمتکش است.

رشد کشاورزی ایران با آهنگی سریع انجام نمیگردد. چنانکه در دوره ی برنامه ی سوم بطور متوسط ۴ درصد در سال افزایش داشت که کمتر از میزان پیش بینی شد و در برنامه بود.

صنایع دارای رشد نسبتاً سریعی است و آهنگ سالانه ی آن طی برنامه ی سوم ۱۱٫۳ درصد بود، و در سالهای بعد نیز بطور متوسط رشدی بیش از ۱۰ درصد داشت. رشد صنایع ایران تاکنون بطور عمده بحساب صنایع تولید کننده ی وسائل مصرفی انجام گرفته است.

آب و برق از متحرك ترین رشته های اقتصاد کشور است. آهنگ متوسط رشد آن طی برنامه ی سوم تقریباً ۳۴ درصد در سال بود. طی این برنامه وزن مخصوص این رشته از ۷٫۰ درصد به ۱۷٫۰ درصد بالارفت.

بانکداری و بیمه گری نیز در این مدت از رشد سریع برخوردار بود (۱۳ درصد در سال). سایر رشته های فعالیت اقتصادی جز حمل

و نقل از رشدی در حدود مجموعه‌ی اقتصاد ملی برخوردار بودند. رشد متوسط رشته‌ی حمل و نقل ۳۶ درصد در سال بود که بارشد تولید ناخالص ملی (۸ درصد در سال) متناسب نیست. علت اصلی این امر آنست که خدمات دولتی و مالیاتهای غیرمستقیم، بطوریکه در بالا اشاره کردیم، در افزایش تولید ملی سهم قابل توجهی داشته‌اند و چون این دو در تولید مادی شرکت ندارند، لذا در افزایش حجم کاروسايط نقلیه نیستند نمیتوانسته‌اند موثر باشند.

اقتصاد ایران با آهنگی ناموزون رشد مییابد. چنانکه طی برنامه‌ی سوم رشد سالانه‌ی تولید ناخالص ملی میان ۴ درصد و ۱۲ درصد نوسان داشت. این ناموزونی زبان جدی به اقتصاد کشور وارد میسازد.

رشد نسبتاً سریع اقتصاد ایران در سالهای اخیر معلول افزایش سریع سرمایه‌گذاریهای کشور بود. سرمایه‌گذاریهای ثابت از ۳۱ درصد تولید ناخالص ملی در آغاز برنامه‌ی سوم به ۲۲٫۳ درصد آن در پایان دوره‌ی برنامه رسید. در برنامه‌ی چهارم نیز که رشدی برابر ۹ درصد برای مجموعه‌ی اقتصاد کشور پیش بینی شده است، میزان سرمایه‌گذاری به ۲۵ درصد تولید ملی افزایش خواهد یافت.

افزایش سریع میزان سرمایه‌گذاریها که در عین حال توأم با افزایش سریع هزینه‌های مصرفی دولت بود (۱۵٫۴ درصد در سال) باعث گردید که سهم هزینه‌های مصرفی خصوصی از ۷۱٫۳ درصد تولید ملی در سال ۱۳۴۱ به ۶۴٫۸ درصد آن در سال ۱۳۴۶ کاهش یابد. در جامعه‌ی طبقاتی ایران این کاهش بدون شك بحساب توده‌های زحمتکش بوده است. در برنامه‌ی چهارم نیز این گرایش حفظ خواهد شد. یعنی از رشد نسبی اقتصاد ایران در وهله‌ی اول طبقات و قشرهای ثروتمند کشور بهره‌میرند و سهم ناچیزی از آن نصیب زحمتکشان ایران میگردد.

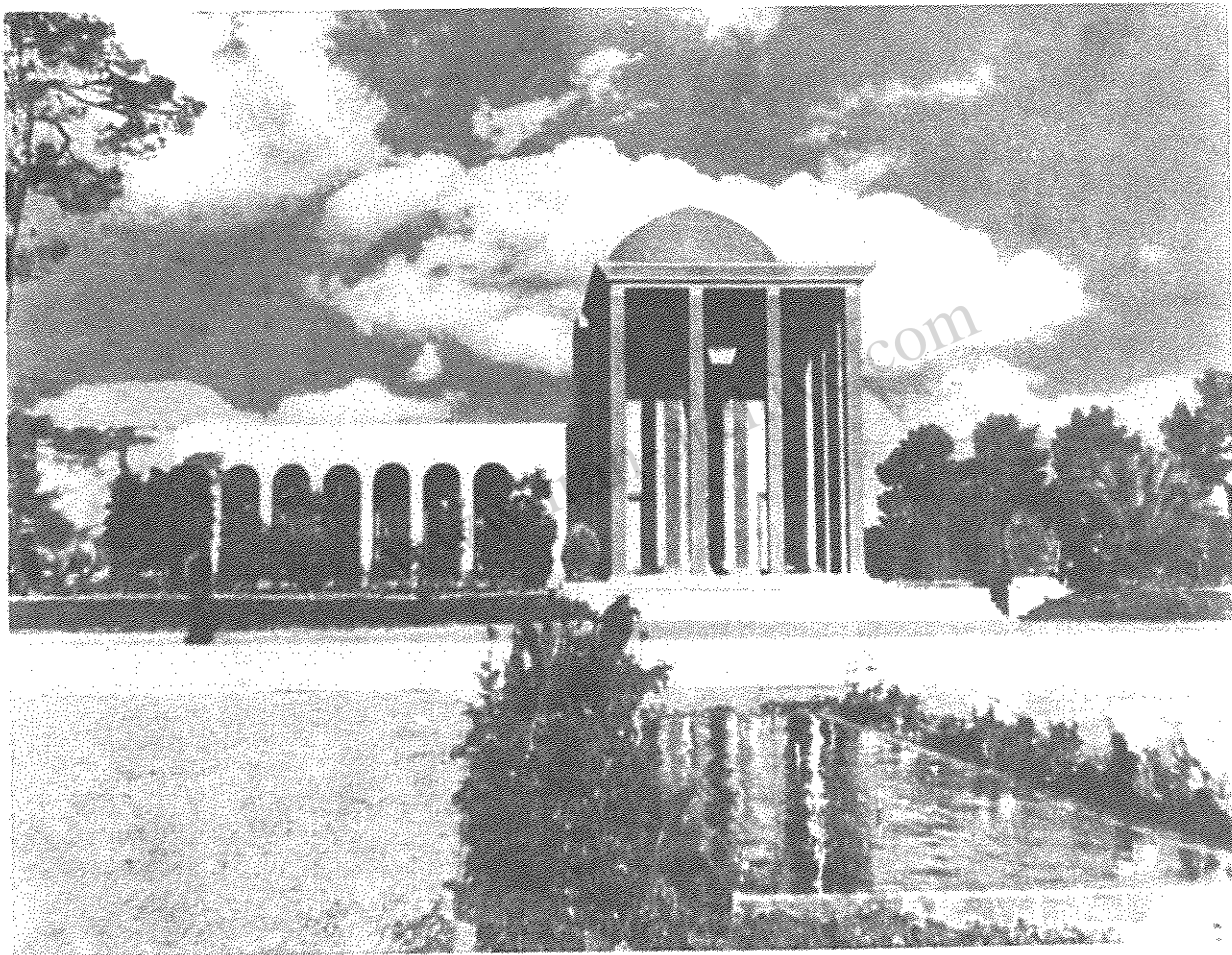
ایران برای رشد سریعتر و همه‌جانبه و هماهنگ اقتصاد خود امکانات وسیعی در اختیار دارد. غارت منابع طبیعی ما بوسیله‌ی امپریالیسم هزینه‌های سنگین اداری و نظامی، توزیع غیرعادلانه‌ی درآمد ملی که مشوق مصارف تجلی‌اقلیت ثروتمندان بزرگ میگردد - عوامل عدلی است که مانع استفاده از امکانات واقعی کشور برای رشد سریعتر اقتصاد و اجتماعی بسود زحمتکشان ایران میگردد.

بسط روابط بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران و بی‌بهره‌گسترش دامنه‌ی کمکهای اقتصادی و فنی این کشورها و نقش کشورهای  
سوسیالیستی در رد رجه‌ی اول اتحاد شوروی به ایران تحولی کیفی در چگونگی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و مرحله‌ی نوینی در رشد اقتصاد کشور پدید آورد.

مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران، برخلاف مناسبات کشورهای امپریالیستی بر پایه‌ی برابری حقوق، احترام بحق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشور مبتنی است و با قید و شرط‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی همراه نیست. این مناسبات از لحاظ اقتصادی نیز کاملاً بصره‌ی ایرانست. زیرا برخلاف بازارهای کشورهای امپریالیستی، بازاری وسیع و استوار و مصون از نوسانات دائمی بازار جهان سرمایه‌داری برای کالاهای ایران فراهم میآورد.

اعتبارات مالی ناشی از این مناسبات با شرایط بسیار سهل و در رجه‌ی اول با بهره‌ی نازل و اگدازمیشود (۲-۳ درصد) بازپرداخت اصل و بهره‌ی و امپا به ارز داخلی و آنهم بوسیله‌ی فروش کالای انجام میگردد. بهره‌ی دریافتی کشورهای سوسیالیستی بابت وامهای اعطایی آنان از ۳ درصد در سال تجاوز نمیکند. میزان این بهره برابر با رقمی است که چند سال پیش در کنفرانس ژنو بتصویب تمام کشورهای "جهان سوم" و کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس رسید و فقط ایالات متحده‌ی آمریکا بآن را می‌مخالفت داد و کشورهای اروپایی غربی و "نمایندگان" کره‌ی جنوبی و ویتنام جنوبی به را می‌منتقدانگذاکردند.

بهره‌ی دریافتی کشورهای سوسیالیستی هرگز بمعنای بهره‌کشی و نزول خواری نبود، بلکه کاملاً ناشی از مکانیسم درونی پروسسه‌های اقتصادی است. مثلاً اتحاد شوروی طی سالهای ۱۹۶۵-۱۹۵۸ در برابر هر روبل سرمایه‌گذاری در داخل کشور خود سالانه در حدود ۱۵٪ روبل



به درآمد ملی خود افزود است. یعنی سرمایه‌گذارهای داخلی شوروی عملاً ۲۵٪ بهره\* نصیب زحمتکشان این کشور کرد است. اعطای بدون بهره\*ی هر روبل وام بایران (بایه هر کشور دیگر) بمعنای گذشت مردم شوروی از ۵٪ روبل درآمد ملی خود خواهد بود. و اگر استهلاك این سرمایه را ده سال فرض کنیم، در این صورت مردم شوروی باید سالانه از ۲٪ درصد بهره\*ی این سرمایه‌گذاری چشم‌پوشند. و چون بخش معینی از سرمایه‌گذارهای اتحاد شوروی در رشته‌های غیرمولد (خانه‌سازی و ایجاد مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و غیره) انجام می‌گیرند، عملاً بهره\*ی یک روبل سرمایه‌ی مولد به ۲٪ درصد در سال بالغ می‌شود. بنابراین، این نوع بهره\* در واقع بمعنای جبران بخشی از ارزش‌نویی است که زحمتکشان شوروی تولید می‌کنند. دولت شوروی نه فقط به برخی از کشورهای نظیر هند و چین و غیره اعتبارات بدون بهره واگذار می‌کند، بلکه وسایل مادی و مالی فراوان به صورت کمک‌های بلاعوض در اختیار این قبیل کشورها می‌گذارد.\*

کشورهای سوسیالیستی در مالکیت و سوز مؤسساتی که بکف آنان ایجاد می‌شود، شرکت ندارند. بنابراین اعتباراتی که این کشورها به دولت ایران واگذار می‌کنند، هرگز خصلت سرمایه‌گذاری و سودجویی ندارند (گو اینکه تقسیم‌کار بین المللی مبتنی بر اصول علمی در موارد معینی همکاری نزدیکتر بر پایه‌ی سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری مشترک از مؤسسات تولیدی را در واقع بین المللی اجاب می‌کند).\*

همکارهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی در همه‌ی اول متوجه ایجاد رشته‌های تولیدی و بخصوص صنایع سنگین در ایرانست. بنیادگذاری صنایع بزرگ تولیدکننده‌ی وسایل تولید در ایران که استرکتور صنایع و مجموعه‌ی اقتصاد کشور را متحول می‌سازد، فقط در پرتو همکاری کشورهای سوسیالیستی انجام گرفت. همکاری کشورهای سوسیالیستی برای اندیشه‌ی تبهکارانه‌ی محافظ امپریالیستی و مدافعین داخلی آنان که گویا ایران نمیتواند و نباید در راه صنعتی شدن واقعی گام بردارد، خط بطلان کشید و راه‌ی تازه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور ما گشود.\*

تاسیس مجتمع صنایع فلزسازی در اصفهان، فراهم آوردن وسائل بهره‌برداری از معادن آهن و زغال سنگ در کرمان، ایجاد کارخانه‌های ماشین‌سازی و تراکتورسازی در تبریز و اراک، احداث سد و نیروگاه برآرس، همکاری نزدیک در ساختمان شاه‌لوله‌ی گاز ایران، کمک‌های فنی و مالی برای بهره‌برداری از منابع جنگلی کشور، همکاری مؤثر در اکتشاف معادن، اعطای اعتبارات دراز مدت با شرایط مساعد و بی‌سابقه برای ایران، خرید گاز و نفت و محصولات صنعتی که تحویل در راسترکتور صادرات ایران بوجود می‌آورد و بسیاری اقدامات و کمک‌های دیگر برای بهره‌برداری بخش از صنایع طبیعی و نیروهای انسانی کشور - همگی هدف و سمت این روابط را بخوبی آشکار می‌سازند.\*

کشورهای سوسیالیستی با ارائه‌ی نمونه‌های زنده و مشخص از چگونگی مناسبات کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد جبهه‌ی تازه‌ای برای نبرد جهانی با امپریالیسم گشودند. کشورهای سوسیالیستی برای تحقق این اندیشه‌ی لنینی که سوسیالیسم به نیروی سیاست اقتصاد-ی خویش تا\* نیرسد، ی خود را در سیر انقلاب جهانی اعمال می‌کند، گام‌های جدی برداشته‌اند. کشورهای سوسیالیستی یا همکارهای خود به تسلط مطلق انحصارهای امپریالیستی در کشورهای\* جهان سوم\* پایان می‌بخشند و برای برانداختن نفوذ امپریالیسم در این کشورها شرایط مادی و محیط مساعد بوجود می‌آورند. برانداختن نهائی تسلط امپریالیسم در هر کشور، بیش از همه وظیفه‌ی مبارزان انقلابی این کشورهاست.\*

### ۳- وضع رشته های اساسی فعالیت اقتصادی کشور

اینک پس از تشریح اجمالی مشخصات عمومی اقتصاد کشور به بررسی مختصر برخی از رشته های اساسی فعالیت اقتصادی میپردازیم\*  
کشاورزی بزرگترین و در عین حال عقب مانده ترین رشته ی تولیدی در اقتصاد کشور است\* ۴۶٪ شاغلین کشور در رشته ی کشاورزی فعالیت میکنند و در حدود ۲۳٪ تولید ناخالص ملی در این رشته ایجاد میشود\*  
در آمار ایران به پیروی از طبقه بندی رشته های تولیدی از طرف سازمان ملل، کشاورزی شامل زراعت، دامپروری، جنگلداری و ماهیگیری میشود\* سهم هر یک از این گروهها در ارزش افزوده ی رشته ی کشاورزی بشرح زیر است:

ارزش افزوده ی فرآورد ه های کشاورزی در سال ۱۳۴۶  
(به قیمت جاری)

درصد	میلیارد ریال	
۵۸٫۸	۶۹٫۱	زراعت
۴۰٫۱	۵۸٫۰	دامپروری
۰٫۸	۰٫۸	جنگلداری
۰٫۳	۰٫۴	ماهیگیری
۱۰۰-	۱۲۸٫۳	جمع

بطوریکه از ارقام جدول برمیآید، زراعت و دامپروری بخش عمده ی تولید کشاورزی را تأمین میکنند و جنگلداری و ماهیگیری با وجود امکانات وسیع سهم ناچیزی در تولید ملی دارند\*  
در آغاز برنامه ی چهارم در ایران تقریباً ۷ میلیون هکتار زمین زیر کشت وجود داشت که ۴ میلیون هکتار آن دیم و مابقی آبی بود\* سطح کشت و میزان فرآورد ه های زراعتی در جدول زیر نشان داده میشود:

سطح کشت و میزان فرآورده های زراعی در سال ۱۳۴۶

میزان محصول	سطح کشت (هزار هکتار)			
	میلیارد ریال	هزار تن	از جمله آبی	
۰ ۲۲ ۶	۳۸۰۰	۱۴۱۴	۴۰۱۲	گندم
۴ ۵	۱۰۳۵	۳۱۴	۱۱۹۳	جو
۱۰ ۸	۹۳۰	۳۴۷	۳۵۰	برنج
۲ ۵	۱۹۴	۱۱۰	۲۰۰	حبوبات
۵ ۷	۴۰۵	۲۱۰	۳۶۰	پنبه
۳ ۱	۲۸۵۷	۸۲۵	۸۲۵	چغندر قند
۰ ۶	۴۵۲	۴۴	۴۴	نیشکر
۱ ۲	۱۳	—	۱۱	چای
۱ ۱	۲۲	—	۲۰	توتون و تنباکو
	—	۲۵	۲۶ ۲	دانه های روغنی
	—	۱۱۱	۲۱۰	سیب زمینی، جالیز، سیبزی
۳ ۲ ۴	—	۲۸۰	۳۶۰	میوه
	—	۱۱۰ ۲	۱۳۴ ۴	طوفه (پونجه، شدر، اسپرسو و غیره)
۸۴ ۲	—	۳۰ ۶ ۸	۶۹ ۷ ۸	جمع

چگونگی تقسیم زمینهای زیرکشت میان فرآورده های کشاورزی و همچنین میزان برداشت محصول از واحد زمین عقب ماندگی کامل کشاورزی ایران را نشان میدهد. درصد ۸۰ درصد زمینهای زیرکشت به غلات تخصیص یافته است و از این زمینها فقط ۴۴ درصد ارزش محصولات زراعی کشور بدست میآید. نباتات صنعتی سهم ناچیزی در زراعت ایران دارند. میزان برداشت محصول از واحد زمین در ایران ۲-۳ بار کمتر از میانگین کشورهای پیشرفته است.

در سالهای اخیر چغندر کاری و برنج کاری از رشد سریع برخوردار بودند (بترتیب ۲۷ و ۱۰ درصد) اقدامات دامنه داری از طرف بخش خصوصی برای توسعه ی کشت دانه های روغنی بعمل میآید. چنانکه در اثر اقدامات شرکت سهامی توسعه ی کشت دانه های روغنی که بوسیله ی صاحبان کارخانه های تولید روغن نباتی تأسیس شد، سطح کشت دانه های روغنی از ۱۶۰۰ هکتار در سال ۱۳۴۶ به ۴۷۵۰۰ هکتار در سال ۱۳۴۸



افزایش یافته است و در سال ۱۳۴۹ به ۹۰ هزار هکتار خواهد رسید.

با اینهمه اقتصاد کشاورزی ایران مجموعاً رشد قابل توجهی ندارد. آهنگ متوسط رشد کشاورزی طی برنامه ی سوم ۴٫۱ درصد در سال بود که کمتر از میزان پیش بینی شده در این برنامه است.

مصرف کود های شیمیایی در ایران بسیار کم است و میزان آن در پایان برنامه ی سوم فقط ۱۳۰ هزار تن بود و طبق پیش بینی در پایان برنامه ی چهارم به ۳۵۰ هزار تن خواهد رسید.

تعداد تراکتور در سراسر کشور از ۱۸-۱۷ هزار دستگاه تجاوز نمی کند و بهر ۴۰۰ یا ۵۰۰ هکتار زمین بطور متوسط فقط یک تراکتور میرسد. برای مکانیزه کردن کشاورزی اقلاً باید تعداد تراکتورهای مشغول بکار را به ۱۰ برابر افزایش داد.

بذر مرغوب و نهال اصلاح شده در دسترس اکثر کشاورزان نیست. برای مبارزه با آفات و اصلاح خاک اقدام جدی بعمل نیامده است. در اکثر واحدهای کشاورزی از شیوه های علمی تولید استفاده نمی شود.

در ایران که میزان و فصل بارندگی در اکثر نواحی مساعد برای زراعت دیم نیست، فقط ۳ میلیون هکتار کشت آبی وجود دارد. پیش از اجرای برنامه های عمرانی اراضی قریب ۲ میلیون هکتار بود. اکنون پس از اجرای چند برنامه ی هفتساله و پنجساله و صرف ۴۲ میلیارد ریال فقط ۵۰۰ هزار هکتار به کشت های آبی افزوده شده است.

در ایران اکنون در حدود ۷ میلیون هکتار زمین زیر کشت وجود دارد و در حدود ۱۲ میلیون هکتار نیز سالانه بصورت آیش خارج از بهر سه برداری قرار میگیرد. یعنی علاوه فقط از ۴٪ مساحت کل کشور بهره برداری زراعی میشود. طبق برآورد های موجود، علاوه بر زمینهای آیش زیر کشت کنونی، پیش از ۳۰ میلیون هکتار زمین قابل کشت در ایران وجود دارد. برای توسعه ی کشاورزی باندازه ی کافی زمین در اختیار داریم.

با آنکه میزان و فصل بارندگی در ایران، جز در نواحی معین (اکثر رسوآحل دریای خزر) برای کشاورزی دیم مناسب نیست، ولی این واقعیت هرگز بمعنای کمبود آب برای کشاورزی نیست. بارندگی در ایران برای ایجاد سیستم آبیاری مصنوعی نسبتاً کافی است. میزان بارندگی در ایران را ۵۰۰-۴۵۰ میلیارد متر مکعب تخمین میزنند که ۶۰٪ آن تبخیر و تعریق میشود، ۱۵٪ بر زمین نفوذ میکند و ۲۵٪ در سطح زمین جاری میشود. حتی اگر از ۵۰٪ آبهای جاری و تحت الارضی برای مصارف کشاورزی استفاده شود (۱۰۰ میلیارد متر مکعب)، علاوه بر زمینهای قاریسب موجود، ده میلیون هکتار زمین جدید را نیز میتوان آبیاری کرد (حد ای معتقد ندکه حتی ۲۰ میلیون هکتار زمین جدید را میتوان آبیاری نمود).

تنوع شرایط اقلیمی نیز که قبلاً بدان اشاره کردیم، برای رشد کشاورزی در ایران امکانات وسیع فراهم میآورد. بنابراین از لحاظ شرایط طبیعی ایران استعداد کافی برای رشد سریع کشاورزی دارد و فقط عوامل اجتماعی مانع این رشد است.

وضع د امپوری نیز که ۴۰ درصد ارزش افزوده ی کشاورزی را تولید میکند، بهتراز وضع زراعت نیست.

طبق آمارهای موجود اکنون در حدود ۳۱ میلیون گوسفند، ۱۳ میلیون بز، ۶ میلیون گاوگاو میش، ۲ میلیون الاغ، ۱۰۰-۵۰۰ هزار اسب و قاطر، ۲۵۰ هزار شتر، ۶۰-۵۰ هزار خوک و ۲۵-۲۴ میلیون طیور خانگی در ایران وجود دارد. چنانکه می بینیم با آنکه هر ساله تعداد کثیری از دامهای ایران در اثر بیماری و سرما و خشکسالی تلف میشوند، هنوز هم برای رشد همه جانبه ی دامپوری تعداد کافی دام در ایران وجود دارد.

ارزش فرآورده های دامی در پایان برنامه ی سوم جمعاً ۱۱٫۵ میلیارد ریال بشرح زیر بود:

گوشت قرمز	۲۰۱	میلیارد ریال	گوشت مرغ و شکار	۲٫۵	میلیارد ریال	تخم مرغ	۱٫۶	میلیارد ریال
شیر	۱۵۳	میلیارد ریال	عمل	۰٫۱	میلیارد ریال	انواع پرورشی پشم و پشمه	۴٫۹	میلیارد ریال
کود حیوانی	۷٫۱	میلیارد ریال	کار دام	۲٫۳	میلیارد ریال	از یاد دام	۲٫۵	میلیارد ریال

تعریف دامهای ایران بطور عمده در مراتع طبیعی انجام میگیرد. پنجاه درصد دامها تمام سال و ۵۰ درصد دیگر ۷ ماه از سال را در مراتع چرانی میکنند. موافق ارقام ارائه شده از طرف مقامات رسمی ۸۰ درصد محصول گوشت و لبنیات کشور را عشا بر تاسمین میکنند. مساحت مراتع ایران را ۴۰-۵۰ میلیون هکتار قید کرده اند که از آن فقط ۱۰ میلیون هکتار مرتع مرغوب است و مابقی از مراتع جنگلی و یا مراتع دارای پوشش گیاهی ضعیف هستند. چون مراتع عمده ترین منبع تغذیه دامها هستند، فشار زیادی بر آنها وارد میآید. مطابق محاسبه‌ی بعضی از متخصصین، مراتع ایران قدرت تغذیه‌ی ۴۰ میلیون رأس واحد گوسفندی را دارند و حال آنکه اکنون در حدود ۷۰ میلیون واحد گوسفندی در آنها چرانی میکنند. بنابراین سال بسال از قدرت و مرغوبیت مراتع ایران کاسته میشود. کشت طیفه‌های دامی باندازه‌ی کافی انجام نمیگیرد (چون کشت یونجه و سایر طیفه‌های دامی گسه گیاهان چند ساله هستند، ایجاد حق ریشه برای دهقانان میگرد، مالکین از توسعه‌ی این کار جلوگیری می‌کنند).

مرکز و میرناشی از بیماری و سرما و خشکسالی، فقدان راههای مناسب، نبودن سیلو و کشتارگاه و سردخانه‌ی مجیز، تسلط واسطه‌ها (امانت فروش و کاروانسرا دار و دلال و چویدار و غیره) از موانع رشته‌ی دامپروری در ایران هستند.

در ایران در حدود ۱۸ میلیون هکتار جنگل وجود دارد که انواع درختهای قیمتی مانند شمشاد، آزاد، گردو، بلوط ایرانی و درختهای کم ارزش ترد یگر مانند افرا، اوجا، نمدار، توسکا، انجیلی، توت، سپیدار و غیره در آنها میروید. بسیاری از این جنگلها به علت بهره برداری بی‌رحمانه (برش و زغالسوزی) و عدم مراقبت بوضع اسف آوری درآمده است. طبق محاسبه‌ی برخی از متخصصین فقط از جنگلهای شمال ایران بایبهره‌داری صحیح هم اکنون میتوان سالانه بیش از ۵ میلیارد ریال بهره برداری نمود (بارقم ۸۰ میلیارد کنونی مقایسه شود).

اکنون اقداماتی برای حفظ منابع جنگلی ایران بعمل میآید. قرارداد هائی با رومانی و بلغارستان برای ایجاد صنایع مجتمع خوب در نرسای مازندران و صنایع شیمیائی خوب در جنگلهای اسلام گیلان منعقد شده است. قرارداد بی یا شرکت مهندسان مشاور اتیشی بمنظور مطالعه صنایع جنگلهای شمال که به ۳۰۰ میلیون هکتار بالغ میگرد (بیش از تمام جنگلهای اتیش) برای ایجاد صنایع جنگلی (کاغذ سازی و فیبر والوار و غیره) منعقد شده است.

از ماهی و سایر منابع دریائی ایران نیز بهره برداری لازم انجام نمیگیرد. در آبهای شور و شیرین ایران انواع ماهیهای خوراکی بعمل میآید. در آبهای جنوبی کشور علاوه بر این ماهی میگو نیز صید میشود. در صورت بهره برداری صحیح از این منابع درآمد هنگفتی عاید کشور خواهد شد. برای تکثیر ماهی در ایران، بانکهای فنی و مالی اتحاد شوروی حوضچه‌های در حوالی رشت در دست ساختمانست که سالانه ۷ میلیون تخم ماهی در آنها پرورش داده خواهد شد.

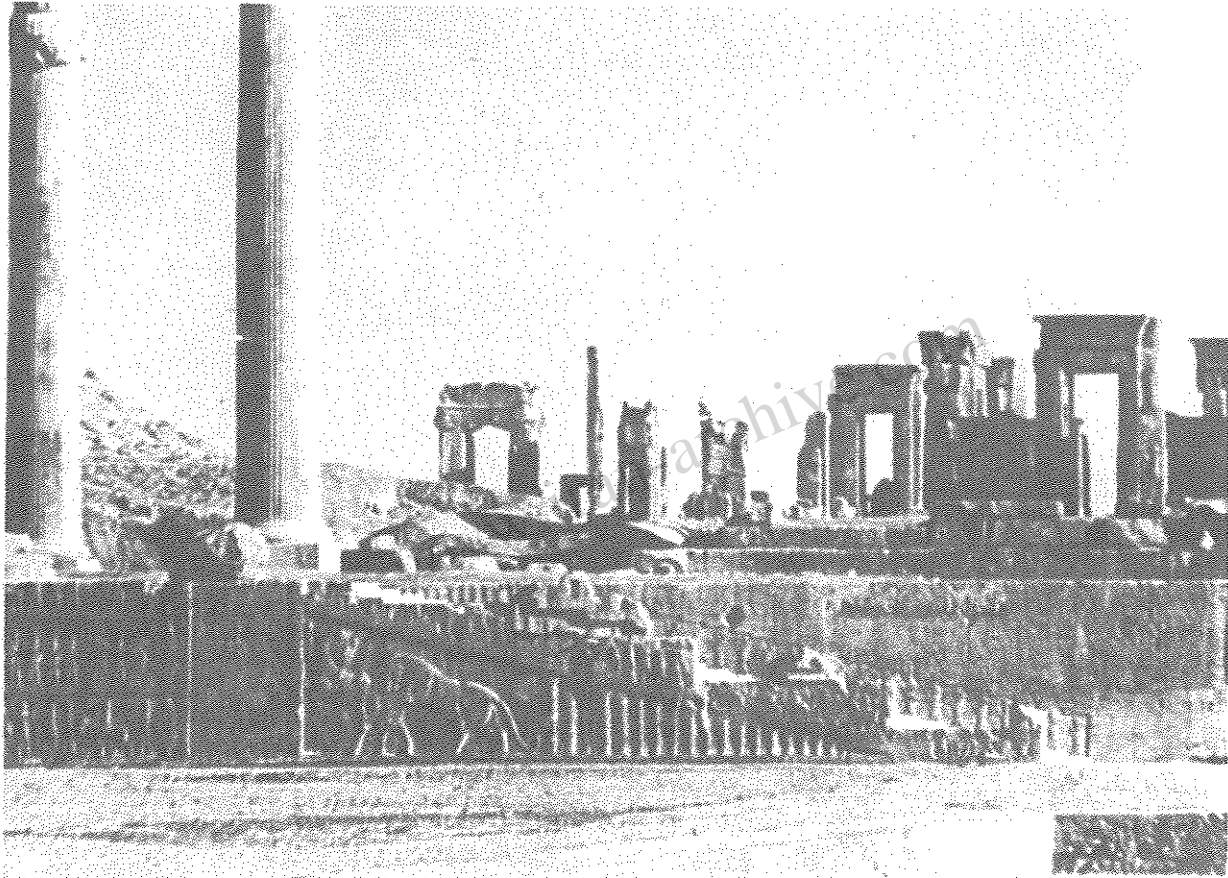
عقب ماندگی کشاورزی در ایران باعث شده است که برای وارد کردن گوشت و غله و دانه‌های روغنی و غیره سالانه مقدار هنگفتی ارز از کشور خارج شود. طی پنج سال ۱۳۴۱-۱۳۴۲ در برابر ۳۶ میلیارد ریال صادرات کشاورزی که تقریباً ۲۲ میلیارد آن صادرات سنتی پنبه و خشکبار بود، در حدود ۱۸ میلیارد ریال واردات کشاورزی داشته‌ایم و این وضع کشور است که اکثریت ساکنین آنرا روستائیان تشکیل میدهند.

در رشته‌های صنعتی ایران کمتر از ۲۰ درصد شاغلین کشور فعالیت میکنند و سهم آن در تولید ناخالص ملی بسیار

۲۶۱ درصد بالغ میشود.

صنایع و معادن

در آغاز برنامه‌ی چهارم وضع صنایع از لحاظ ارزش افزوده بدینقرار بود:



ارزش افزوده ی رشته های اساسی صنایع در سال ۱۳۴۶  
(به قیمت جاری)

میلین ریال	درصد	
۱۷	۰٫۹	معادن
۱۱۷	۶٫۱	نفت
۷۳۰	۳۸٫۱	از جمله سهم ایران
۷۲۲	۳۷٫۷	صنایع تبدیلی
۱۹۱	۱۰٫۰	جمع

ارقام این جدول نشان میدهد که در میان رشته های صنعتی ایران صنایع استخراجی وزن مسلط دارد و این امر نتیجه ی وجود صنایع نفت در کشور است. مطابق آمار رسمی از هر ۱۱۷ میلیارد ریال ارزش افزوده ی صنایع نفت در سال ۱۳۴۶ فقط ۷۳ میلیارد ریال سهم ایران بود و مابقی نصیب انحصارهای نفتی شده است.

ارزش افزوده ی صنایع تبدیلی فقط ۳۷٫۷ درصد مجموع ارزش افزوده رشته های صنعتی را تشکیل میدهد و این دلیل عقب ماندگی رشد صنایع در ایران است.

صنایع تبدیلی ایران شامل صدها هزار کارگاه کوچک متکی به کار دستی کم بهره ایست که در سراسر کشور پراکنده است. جدول زیر تصویر روشنی از وضع صنایع ایران بدست میدهد:

تعداد کارگاهها و کارکنان صنایع تبدیلی (بایرک و گاز) و ارزش افزوده ی آنها در سال ۱۳۴۶

ارزش افزوده		تعداد کارکنان		تعداد کارگاهها		
%	میلین ریال	%	هزار نفر	%	هزار واحد	
۹٫۲	۷٫۲	۴۸٫۹	۶۵۳٫۷	۷۱٫۰	۲۹۱٫۵*	صنایع در دهات
۹۰٫۸	۷۰٫۶	۵۱٫۱	۶۸۱٫۳	۲۹٫۰	۱۶۰٫۷	صنایع در شهرها از جمله:
۳۲٫۹	۲۵٫۶	۳۴٫۳	۴۵۸٫۹	۲۸٫۲	۱۵۶٫۲	- دارای کمتر از ۱۰ نفر کارکن
۲۰٫۴	۱۵٫۹	۴٫۸	۶۵٫۳	۰٫۷	۳٫۹	- دارای ۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن
۳۷٫۴	۲۹٫۱	۱۲٫۰	۱۵۷٫۱	۰٫۱	۰٫۱	- دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن
۱۰۰٫۰	۷۷٫۸	۱۰۰٫۰	۱۳۳۵٫۰	۱۰۰٫۰	۵۵۲٫۲	جمع

\* ۱۳۴۵

در آمار ایران کارگاههای دارای بیش از ۱۰ نفر کارگر کارکنان کارگاههای بزرگ نامیده میشوند. اغلب این کارگاهها در واقع کارگاههای کوچک و متوسط هستند. از ۴۵۰۰ کارگاه بزرگ فقط درصد ۶۰۰ کارگاه بیش از ۵۰ نفر کارگر دارند. این کارگاهها با آنکه از ۰٫۰ درصد مجموع کارگاههای صنعتی کشور را تشکیل میدهند ۱۲ درصد کارکنان و کارمندان و بیش از ۳۷ درصد ارزش افزوده ی صنایع را در اختیار دارند. اگرچه کارگاههای بزرگه بیش از ۱۰ نفر کارگر دارند بطورکاملا مشروط کارگاههای صنعتی واقعی قرض کنیم در اینصورت سهم صنایع واقعی کشور در تولید ملی از ۸ - ۷ درصد تجاوز نخواهد کرد.

وضع صنایع ایران از لحاظ ترکیب داخلی خود نیز کاملاً حاکی از عقب ماندگی این رشته می‌باشد. جدول زیر که ترکیب داخلی صنایع ایران را در سال ۱۳۴۶ نمایش می‌دهد، موید این امر است:

وضع رشته های مختلف صنایع در مناطق شهری در سال ۳۴۴

ارزش افزوده		تعداد آمارکنندگان		تعداد کارگاهها	
%	میلیارد ریال	%	هزار نفر		
۲۰٫۱	۱۴٫۲	۱۷٫۹	۱۲۲٫۲	۲۱۸۶۶	صنایع مواد غذایی
۰٫۹	۰٫۷	۰٫۴	۳٫۱	۵۸	صنایع آشامیدنیها
۷٫۷	۵٫۵	۰٫۵	۳٫۹	۳	صنایع دخانیات
۱۸٫۸	۱۳٫۳	۲۶٫۷	۱۸۲٫۴	۲۸۲۱۰	صنایع نساجی و گلیم و قالی
۹٫۸	۶٫۹	۱۵٫۷	۱۰۷٫۵	۴۳۰۳۶	صنایع پوشاک و لوازم پارچه ای
۳٫۱	۲٫۲	۶٫۹	۴۱٫۵	۱۵۵۳۸	صنایع چوب و مبیل
۰٫۹	۰٫۷	۰٫۴	۲٫۸	۲۸۱	صنایع کاغذ و مقوا
۱٫۱	۰٫۸	۰٫۹	۶٫۵	۱۲۲۰	صنایع چاپ و صحافی
۰٫۴	۰٫۳	۰٫۸	۵٫۸	۱۳۴۴	صنایع چرم و پوست
۲٫۱	۱٫۵	۱٫۲	۸٫۳	۱۰۶۱	صنایع لاستیک و کائوچو
۴٫۲	۳٫۰	۱٫۴	۹٫۸	۸۶۵	صنایع شیمیایی
۰٫۴	۰٫۳	۰٫۱	۰٫۶	۷	صنایع نفت و زغال سنگ
۸٫۳	۵٫۹	۵٫۷	۳۸٫۹	۴۴۷۲	صنایع محصولات معدنی غیر فلزی
۲٫۰	۱٫۴	۰٫۸	۶٫۴	۱۵۴۸	صنایع فلزات اساسی
۵٫۵	۳٫۹	۸٫۶	۵۸٫۶	۱۹۳۷۸	صنایع محصولات فلزی
۰٫۵	۰٫۴	۱٫۱	۷٫۹	۱۸۲۸	صنایع ماشین آلات غیر الکتریکی
۳٫۶	۲٫۶	۲٫۳	۱۶٫۲	۳۸۵۳	صنایع ماشین آلات و وسایل الکتریکی
۵٫۶	۴٫۰	۵٫۰	۳۴٫۳	۱۰۰۰۴	صنایع وسائط نقلیه
۱٫۱	۰٫۸	۲٫۴	۱۶٫۵	۵۶۸۳	صنایع متفرقه
۲٫۹	۲٫۱	۱٫۲	۸٫۱	۴۵۸	صنایع تولید برق و گاز
۱۰۰٫۰	۷۰٫۶	۱۰۰٫۰	۶۸۱٫۳	۱۶۰۷۲۳	کل کارگاهها از جمله:
۳۶٫۳	۲۵٫۶	۲۷٫۴	۴۵۸٫۹	۱۵۶۲۲۳	— کارگاههایی که تا ۱۰ نفر شاغل بکار دارند
۲۲٫۵	۱۵٫۹	۹٫۶	۶۵٫۳	۳۹۱۴	— کارگاههایی که بین ۱۰ تا ۵۰ نفر شاغل بکار دارند
۴٫۲	۲٫۹	۲۳٫۰	۱۵۷٫۱	۵۸۶	— کارگاههایی که بیش از ۵۰ نفر شاغل بکار دارند

بررسی این جدول نشان می‌دهد که صنایع ایران بطور عمده از صنایع تولیدی هستند و مسائل مصرف تشکیل یافته است. بیش از ۱۰ درصد کارکنان صنایع مناطق شهری در تولید مواد غذایی و آشامیدنیها و دخانیات و نساجی و قالی بافی و پوشاک متمرکز شده است و سهم این رشته‌ها در ارزش افزوده ی صنایع نیز بیش از ۵۷ درصد است.

گروه صنایع محصولات فلزی، ماشین آلات و وسائل الکتریکی و غیر الکتریکی و وسائط نقلیه نه فقط سهم ناچیزی در مجموع صنایع کشور دارند (مجموعاً ۱۷ درصد کارگران و کارمندان و ۱۵ درصد ارزش افزوده ی صنایع شهری)، بلکه این صنایع نیز اولاً بطور عمده تولیدکننده ی و مسائل مصرف هستند و ثانیاً اکثر نیازکننده ی قطعات وارداتی.

صنایعی که از آنها تحت عنوان ظاهر فریب "صنایع محصولات فلزی" یاد میشود و شامل تقریباً نیمی از کارکنان و ۴ درصد ارزش افزوده ی تمام صنایع این گروه میباشد، مرکب از بیش از ۱۹ هزار کارگاه است که هر کدام بطور متوسط ۴-۳ نفر کارگر و کارمند دارند. یعنی در واقع اکثر کارگاه‌های کوچک آهنگری و حلبی سازی هستند. حتی کارگاه‌های بزرگ این رشته نیز کارشان بطور عمده ساختن در و پنجره و میز و صندلی فلزی و انواع ظروف و سماور و بخاری و آبگرمکن و چراغ و از این قبیل اشیاء است.

فقط در سالهای اخیر برای تأسیس برخی رشته‌های صنایع سنگین اقدام بعمل آمده که مهمترین آنها صنایع ذوب آهن اصفهان، ماشین سازی اراک، تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز است که بکمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی احداث میگردد (کارخانه ی تراکتورسازی بکار پرداخته است).

از سال ۱۳۴۶ کارخانه ی نورد ایران که ب سرمایه ی داران خصوصی ایران و آمریکا و آلمان فدرال تأسیس شده در شهر اهواز بکار برداخته است. این کارخانه انواع پروریل‌های سبک ساختمانی تولید میکند (۱۵۰ هزار تن در سال). همچنین به مشارکت سرمایه‌های خصوصی کشورهای امپریالیستی رشته‌های پتروشیمی در آبادان و شاهپور و خارک و آلومینیوم در اراک بوجود می‌آید.

برای اینکه تصویری روشنتر از وضع صنایع ایران داشته باشیم، فهرستی از نوع و میزان تولید بعضی از صنایع بزرگ ایران را می‌آوریم:

(رجوع به صفحه بعد)

### از سند اصلی جلسه مشاوره احزاب برادر

#### همبستگی با احزاب کمونیستی و کارگری که زیر فشار قرار دارند

جنبش کمونیستی - بخش لاینفک جامعه ی معاصر و فعالترین نیروی آنست. از نیرو غیرقانونی کردن احزاب کمونیست و کارگری سوگندی است به حقوق دموکراتیک و مصالح حیاتی خلقها. شرکت کنندگان در کنفرانس بدون استثناً از تمام احزاب کمونیست جهان که در راه شرکت طنی در زندگی سیاسی کشورخویش مبارزه میکنند، پشتیبانی مینمایند. ما با خشم و نفرت، تضییقات خونین و تروری را که هزاران و هزاران کمونیست، دموکرات و دیگر انقلابیون در اندونزی، اسپانیا، پرتغال، یونان، بولیوی، برزیل، کلمبیا، مکزیک، ونزوئلا، پاراگوئه، گواتمالا، آفریقای جنوبی، تایلند، هائیتی، مالانیا، ایران، فیلیپین و برخی دیگر کشورهای آمریکایی آن شده اند محکوم میکنیم. ما همبستگی خود را با همزبانان که در سیاه جالهای رژیمهای فاشیستی و دیکتاتوری در زندگی ان-های کشورهای سرمایه داری بزننجیر کشیده شده اند، اعلام میداریم و در راه آزادی آنها مبارزه میکنیم.

میزان تولید بعضی از صنایع بزرگ ایران

افزایش درصد	۱۳۴۶	۱۳۴۵	واحد	
۵۶٫۶	۵۴۲	۳۴۶	هزارتن	قند و شکر
۱۸٫۱	۱۲۴	۱۰۵	هزارتن	روغن نباتی
۱۵٫۲	۱۱۲۷۱	۹۷۹۰	هزار بطر	مشروبات الکلی (با استثنای آبجو)
۱۹٫۰	۲۶	۲۱	میلیون بطر	آبجو
۷٫۸	۱۸۰	۱۶۷	میلیون بطر	مشروبات غیرالکلی
-۱۷٫۲	۱۳۱۵۴	۱۵۸۹۴	تن	چای
۸٫۲	۳۵۷	۳۳۰	میلیون متر	منسوجات پنبه ای و الیاف مصنوعی
-۳٫۵	۵	۷	میلیون متر	منسوجات پشمی
۰٫۹	۱۱۳	۱۱۲	هزارتن	پنبه ی تصفیه شده
۴۶٫۵	۸۱۳	۵۵۵	تن	دستمال کاغذی
۱۷۸٫۱	۱۰۴۲۳*	۳۷۴۸	دستگاه	اتوموبیل سواری
۷۱٫۰	۱۲۰۵۷۶	۷۰۵۲۸	دستگاه	پنجچال
۱٫۸	۲۹۲۴۲	۲۸۷۰۷	دستگاه	آبگریزن
۶۵٫۸	۳۳۴۵۶	۲۰۱۶۵	دستگاه	اجاق گاز
۷٫۶	۷۵۶۴۴	۷۰۳۰۰	عدد	بخاری مبله
۵۵٫۱	۱۷۹۰۷۹	۱۱۵۴۴۵	عدد	بخاری دستی
۱۸٫۶	۴۹۶	۴۱۸	هزار حلقه	انواع لاستیک
۱۳٫۲	۱۵۴۸	۱۳۶۷	هزارتن	سیمان
۳٫۰	۲۲۸۵	۲۶۰۶	میلیون عدد	آجر
-۰٫۶	۱۰۰۹۲	۱۰۱۵۰	میلیون عدد	سیگار
۲۹٫۸	۱۸۲۶	۱۴۰۷	میلیون کیلووات ساعت	برق
۱۵٫۹	۱۱۵۰۹	۱۰۰	%	شاخص کل

\* تولید اتوموبیل‌های سواری در سال ۴۷ به ۲۲ هزار دستگاه رسید و در سال ۸۱ پیش‌بینی می‌شد در حدود ۳۵-۳۲ هزار دستگاه ساخته شود.  
 در پایان برنامه ی چهارم (۱۳۵۱) در ایران باید ۴۹۷۰۰ دستگاه اتوموبیل سواری، در حدود پنج هزار دستگاه اتوبوس و پنج هزار کامیون و پیش از ده هزار سایر وسایل نقلیه یعنی جمعاً ۷۰ هزار دستگاه اتوموبیل ساخته شود.

با افزایش تولید برخی کالاها مانند قند و شکر و لاستیک و وسائط نقلیه و منسوجات و روغن نباتی و رادیو و تلویزیون و غیره سال به سال از میزان واردات آنها کاسته میشود.

توزیع جغرافیائی صنایع ایران کاملاً ناموزون انجام گرفته است. جدول زیر ناموزونی فوق العاده ی توزیع جغرافیائی صنایع ایران و وضع اسف آور نواحی عقب مانده ی کشور را بخوبی نمایش میدهد:

توزیع جغرافیائی صنایع بزرگ ایران در سال ۱۳۴۵ (بدون نفت و گاز)

	جمعیت (هزار نفر)	تعداد کارگاهها	تعداد کارکنان	ارزش افزوده (میلیون ریال)	تولید سرانه ی ارزش افزوده	
					برای میتان و بلوچستان	چند برابر استان
۱ استان مرکزی	۴۹۷۹	۱۴۱۶	۱۱۰۱۶۳	۳۱۹۸۹	۶۴۲۴	۱۴۰
۲ استان اصفهان و یزد	۱۷۰۴	۳۱۵	۳۰۴۱۸	۲۴۶۱	۲۰۳۱	۴۴
۳ استان مازندران و گرگان	۲۰۴۹	۱۵۸	۱۳۶۵۷	۱۷۲۸	۸۴۳	۱۸
۴ استان کردستان	۶۲۰	۱۴	۴۴۸	۳۲۰	۵۱۶	۱۱
۵ استان کرمان	۱۱۰۸	۷۰	۴۶۹۳	۵۶۵	۵۰۰	۱۱
۶ استان خوزستان و لرستان	۲۷۲۳	۱۸۵	۶۹۸۱	۱۲۸۰	۴۷۰	۱۰
۷ استان گیلان	۱۷۵۳	۱۸۹	۶۷۶۶	۸۱۷	۴۶۶	۱۰
۸ استان خراسان	۲۴۹۸	۲۶۹	۱۱۵۷۷	۱۱۵۶	۴۶۲	۱۰
۹ استان فارس و بنادر	۱۶۹۲	۱۲۳	۴۷۷۹	۶۵۵	۳۸۷	۸
۱۰ استان آذربایجان شرقی	۲۵۹۶	۷۰۴	۱۹۵۳۰	۸۸۵	۳۴۴	۷٫۵
۱۱ استان آذربایجان غربی	۱۰۸۷	۶۳	۱۸۲۷	۲۰۱	۱۸۴	۴
۱۲ استان کرمانشاهان	۱۸۱۵	۱۳۷	۳۲۸۸	۲۰۸	۱۱۴	۲٫۵
۱۳ استان سیستان و بلوچستان	۴۵۵	۱۸	۱۸۰	۲۱	۴۶	۱
جمع کل	۲۵۰۷۹	۳۶۶۱	۲۱۴۳۰۷	۴۳۳۸۷	۱۷۲۶	۳۷٫۵

نگاهی اجمالی به ستون آخر این جدول وضع اسف آور ایران را از لحاظ توزیع جغرافیائی صنایع نشان میدهد. تولید سرانه ی صنایع بزرگ در استان مرکزی ۱۴ برابر عقب مانده ترین استانها (سیستان و بلوچستان) و بیش از ۳ برابر استان اصفهان است که از لحاظ سطح رشد صنعتی مقام دوم را در کشور اشغال میکند. بدیهی است توزیع جغرافیائی صنایع و بطور کلی تمام رشته های تولیدی هرگز نمیتواند در سراسر یک کشور کاملاً موزون باشد. شرایط طبیعی و تاریخی و غیره در توزیع جغرافیائی رشته های تولیدی تأثیر دارند. ولی آنچه که مادر ایران می بینیم، فقط و



نقطه زائیدگی نظام اجتماعی ایران از یکسو سیاست اقتصاد اجتماعی رژیمهای حاکم بر ایران است که خود عاملی برای اجرای سیاست های دول امپریالیستی در ایران بود و هستند.

با آنکه مقامات اقتصادی ایران مدتهاست میگویند که با ایجاد قطب های صنعتی در برخی از نواحی کشور (اصفهان، اهواز، تبریز، شیراز، کرمان، قزوین، رشت، مشهد، اراک) میخواهند تعدیلی در وضع کنونی فراهم آورند، ولی هنوز اصلاحی در وضع موجود نشده است. چنانکه از ۴ میلیارد ریال سرمایه گذاری صنعتی در کارگاههایی که در سال ۱۳۴۶ پروانه ی بهره برداری اخذ کرده اند ۱٫۱ میلیارد ریال بابت بیش از ۳۶ درصد مربوط به استان تهران بود و در سال ۱۳۴۷ سهم تهران باز افزایش یافته و تقریباً به ۵۰ درصد بالغ گردید. بهره برداری از معادن ایران، جز در مورد نفت، در سطح بسیار ناآزلی قرار دارد و سهم آن در تولید ملی فقط ۰٫۳ درصد است.

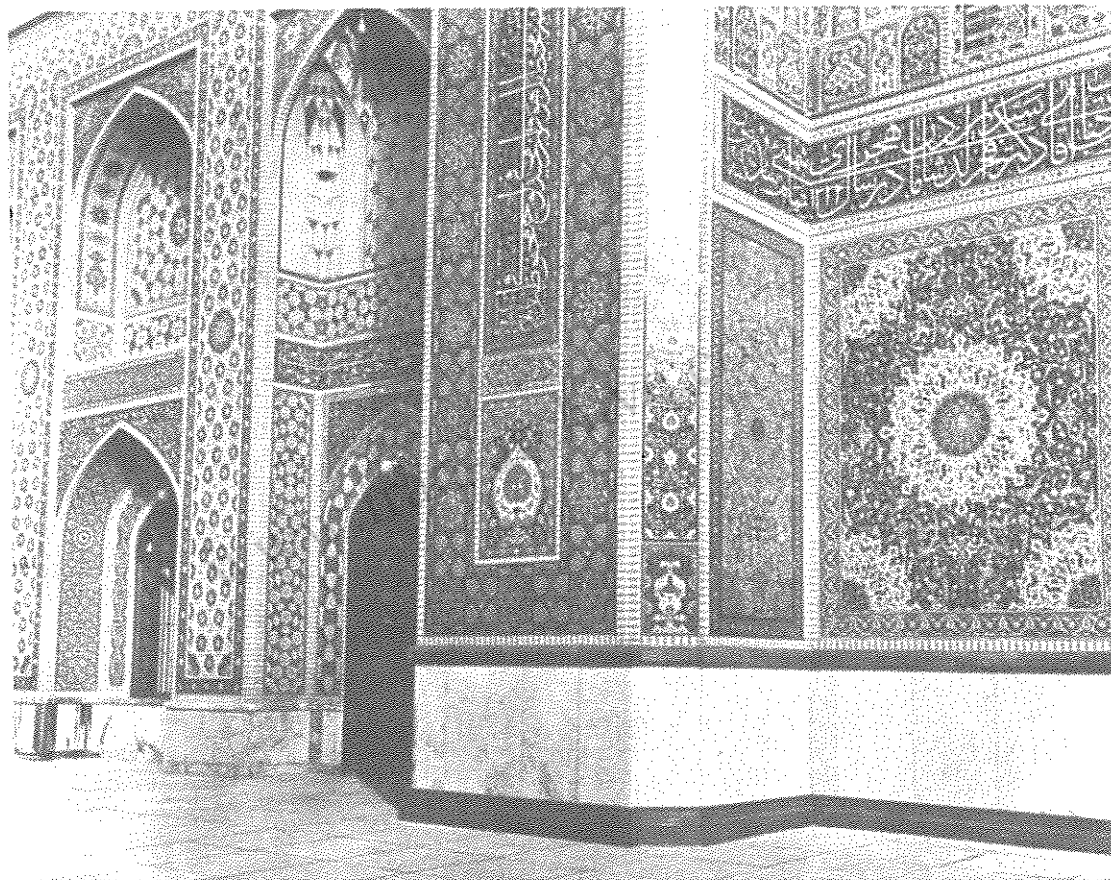
اکنون غیر از معادن سنگهای ساختمانی (مرمر و تراورتن و سنگ کج و کوارتزیت و شن و ماسه و غیره) که در سراسر کشور پراکنده است، از معادن آهن (استانهای مرکزی کرمان)، زغال سنگ (در نواحی جبال البرز و کرمان)، روی (در نواحی مرکزی)، زرنیک (آذربایجان و خراسان)، سرب (در استان مرکزی و اصفهان)، سرب و روی (اصفهان و خراسان)، کائولین (استانهای مرکزی و آذربایجان و خراسان)، کرومیت (خراسان و جنوب)، گل سفید (استانهای خراسان و اصفهان)، گوگرد (سمنان)، مس (آذربایجان و خراسان و اصفهان و استان مرکزی)، منگنز (استانهای مرکزی و خراسان و اصفهان و کرمان) گنت (در تمام کشور) مزاج پاریتین (استانهای مرکزی و مشهد هم) طلا (گلپایگان) و غیره نیز بهره برداری میشود.

بخش بزرگی از فرآورده های معدنی ایران (سنگ روی و آهن و کرومیت و منگنز و سرب و روی) با بهمان صورت اولیه و پارس از تصفیه و تخلیظ مقدماتی بخارج صادر میشود.

منابع معدنی ایران بطور کلی مورد بررسی و اکتشاف قرار نگرفته است. فقط در سالهای اخیر با شرکت متخصصین خارجی برای کاوش و ارزیابی ذخایر معدنی ایران اقدامات نسبتاً قابل توجهی بعمل آمده است. کشف معادن بزرگ سنگ آهن و زغال سنگ مناسب برای تک کردن و ذخایر عظیم معادن مس در سرچشمه ی کرمان (۳۰۰ میلیون تن قطعی و یک میلیارد تن احتمالی) و در ناحیه چهارگجه ی کرمان (بوسیله ی کارشالی یوگسلاوی) از نتایج اولیه ی این اقدامات است. کشورهای سوسیالیستی در این کار کفهای بزرگی انجام داده و میدهند. برای مطالعه ۲۷۰ هزار کیلومتر مربع نواحی شرقی ایران (از خراسان تا سواحل عمان) با ۷ موزه ی مشاور خارجی قرارداد منعقد شده است.

با آنکه منابع معدنی ایران ملی اعلام شده است بهره برداری از تمام معادن طبقه ی اول (سنگهای ساختمانی) و طبقه ی دوم (فلزات و شبه فلزات) به بخش خصوصی واگذار میشود و فقط معادن طبقه ی سوم (نفت و مواد رادیواکتیو) بوسیله ی دولت بهره برداری میشود (سهم بدست خارجی) کشف معادن جدید در ایران نظر از معادن امپریالیستی را بسوی خود جلب کرده است. انحصارات آمریکا و انگلستان و آلمان غربی و فرانسه هم اکنون دست خود را روی معادن مکشوفه ی مس گذاردند و گفته میشود از طرف این انحصارات کنسرسیومی برای بهره برداری از این معادن تشکیل شده است. دولت در نظر دارد بهره برداری از این معادن را به بخش خصوصی داخلی و سرمایه های خارجی محول کند.

در رشته ی حمل و نقل بیش از ۳ درصد شاغلین فعالیت میکنند و سهم آن در تولید ناخالص ملی در حدود پنج درصد است. در ایران در حدود ۳۰ هزار کیلومتر راه شوسه ی درجه ی ۱ و ۲ و ۶ هزار کیلومتر راه آسفالت و بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر راه آهن ایجاد شده است. ظرفیت بنادر ایران به ۳٫۸ میلیون تن در سال رسیده و در بسیاری از شهرها فرودگاه تأسیس شده است. در ایران بیش از ۳۸۰۰ کیلومتر لوله کشی نفت انجام گرفته و کار احداث خط اصلی شاه لوله ی گاز بطول ۱۱۰۶ کیلومتر میان بید بلند و آستارا برای انتقال گاز آغاز جاری و مارون به شیروی و برخی شهرهای کشور در شرف پایان است. برای ایجاد



کاشی‌کاری‌های زیبای مسجد شاه اصفهان

لوله ی نفت اهواز - اسکندرون بطول ۱۷۰۰ کیلومتر برای تغذیه ی پالایشگاه ازمیر و تحویل نفت به کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی اتمام میشود. ساختمان راه آهن اصفهان - کرمان برای اتصال منابع سنگ آهن و زغال سنگ به کارخانه ی ذوب آهن و نیز کاراتصال راه آهن ایران از طریق تبریز - شرقخانه - قطریه راه آهن اروپا در دست انجام است.

در سال ۱۳۴۱ در ایران بیش از ۱۶۵ هزار تن مینرال سواری، ۳۷ هزار بارکش و ۱۱ هزار دستگاه اتوبوس مشغول کار وجود داشت. هواپیمای ملی ایران که در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد، اکنون دارای ۴ فروند جت ۷۲۷، دو فروند جت ۷۰۷ و دو فروند هواپیمای عا دی است. هواپیمای ایران میان ۱۵ نقطه ی کشور و ۱۴ نقطه ی خارج کشور در پروازند. هواپیمای ملی از بدو تا تأسیس خود تا پایان سال ۱۳۴۸ جمعا ۱۳۶۶ میلیون کیلومتر نفر و ۲۵۳ میلیون تن کیلومتر بار و پست حمل کرده است.

شرکت ملی نفتکش ایران که در سال ۱۳۳۴ با سرمایه ی شرکت ملی نفت ایران و بنیاد پهلوی تشکیل گردید (به نسبت ۵۰ - ۵۰) دارای چهار کشتی نفتکش اقیانوس پیما جمعا بظرفیت ۱۸۰ هزار تن است. این شرکت همچنین ۳ کشتی کوچک جمعا بظرفیت ۳۱۰۰ تن برای تسامین نفت سواحل ایران در اختیار دارد.

در سال ۱۳۴۱ شرکت سهامی کشتیرانی ایران "آریا" با سرمایه ی خصوصی و کمک دولت تأسیس شد. این شرکت اکنون صاحب پنج کشتی اقیانوس پیما بظرفیت بیش از ۶۰ هزار تن است که میان آبهای ساحلی ایران و اروپا در حرکتند. چندی پیش میان ایران و ایالات متحده ی آمریکا نیز خط سیر جدیدی دایر شد. این شرکت ۶ کشتی بظرفیت هر یک ۱۶ هزار تن به بلژیک سفارش داد. بود که یک فروند آنرا تحویل گرفته است. علاوه بر اینها شرکت سهامی کشتیرانی ایران صاحب ۳ کشتی کوچک برای آبهای خلیج فارس است و ۱۲ کشتی نیز بصورت اجاره در دست (چارتر) در اختیار دارد. شرکت سهامی کشتیرانی ایران تا اوایل سال ۱۹۶۹ نمیتوانست کالاهای وارداتی ایران را از اروپا بکشور حمل کند، زیرا حمل و نقل دریائی خلیج فارس در انحصار "کنفرانس خطوط کشتیرانی اروپا و مدیترانه" است. ایران فقط ضمن قرارداد ای که در سال ۱۳۴۷ با این "کنفرانس" منعقد نمود، این حق را بدست آورد که از ژانویه ی سال ۱۹۶۹ درحد و د

مطابق آماروزارت اقتصاد میزان کارکرد انواع وسائط نقلیه ی ایران در سال ۱۳۴۴ بشرح زیر بود:

میزان کارکرد (میلیارد ریال)	میزان کارکرد (%)	
۲۳۰	۵۰٫۰	کامیون شهری و بیابانی
۸۳	۱۸٫۰	اتوبوس شهری و بیابانی
۶۸	۱۴٫۷	تاکسی و کرایه
۳۹	۸٫۴	راه آهن
۱۳	۲٫۸	هوائی و کشتیرانی
۱۲	۲٫۸	اتوبوس رانی شرکت واحد
۹	۰٫۹	سه چرخه ی باری
۱	۰٫۲	سایروسائط نقلیه
۴۵۹	۱۰۰٫۰	جمع

آهنك متوسط رشد سالانه ی فعالیت حمل و نقل  
در سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۰

رشته های حمل و نقل	آهنك متوسط رشد ( درصد )
کامیون داری	+ ۲۰
راه آهن	- ۱
هواپیمائی	+ ۲۱
اتوبوسهای شهرستانی	+ ۵۶
اتوبوسهای تهران و حومه	+ ۱۰۹
تاکسیرانی	+ ۵۱
بناد روکشتریانی	+ ۷۰
سایر رشته های حمل و نقل	- ۷
تمام رشته ها	+ ۳۸

میزان حمل نفت با انواع وسایل نقلیه ( میلیون تن کیلومتر)

سال ۱۹۶۸ نسبت به سال ۱۹۶۱ ( به درصد )	۱۹۶۸	۱۹۶۱	
۳۱۴	۵۲۰۰	۱۶۵۵	خطوط لوله
۸۷	۸۸۲	۱۰۰۴	راه آهن
۲۳۲	۹۶۲	۴۱۴	نفت کشهای پیمانی
۱۱۸	۱۶۴	۱۳۸	نفت کشهای شرکت ملی نفت ایران
۲۵۰	۶۵	۲۶	وسایل دریائی
۲۲۴	۷۱۷۳	۳۲۳۷	جمع

بطوریکه ارقام جدول نشان میدهد در ظرف ۷ سال میزان حمل نفت با خطوط لوله بیش از سه برابر و با نفت کشهای پیمانی بیش از ۲۳ برابر شده و در مقابل از میزان حمل نفت بوسیله ی راه آهن ۱۳٪ کم شده است.

علاوه بر اینکه رقابت رشته های اتوبوسرانی و هواپیمائی باره آهن باعث جلب بیشتر مردم به مسافرت با اتوبوس و هواپیمائی شده ، احداث خطوط لوله ی نفت و رقابت اتوموبیلهای نفت کش خصوصی نیز در تقلیل کارکرد راه آهن ایران تا ۳۰ درصدی داشته است.

در بانکداری و بیمه گری ۵۰ درصد شاغلین کشور فعالیت دارند و ۳ درصد تولید ملی در این در رشته تولید میشود. شریانیهای پولی کشور در اختیار ۲۶ بانک دولتی و خصوصی است ، يك سوم این بانکها دولتی است و يك سوم بـا سرمایه های خصوصی داخلی و يك سوم د بگرمایه های خصوصی داخلی و خارجی ( مختلط ) تشکیل شده است .

بانکداری و بیمه گری

بانک مرکزی ایران بانک بانکهاست . این بانک مجری سیاست پولی و اعتباری کشور، حافظ ارزش پول ایران و بانک ملی کشور است . ذخایر رسمی طلا و ارز کشور در این بانک نگاهداری میشود . بانک مرکزی در حین حال محل تمرکز حسابها دولتی است یعنی تمام دریافتها و پرداختها بوسیله ی این بانک انجام میگردد . بانک مرکزی به دولت اعتبار و وام میدهد و سپرده های بانکی سایر بانکها را نگاهداری میکند .

برخی از بانکهای ایران فقط به امور تخصصی میپردازند ( بانک اعتبارات صنعتی ، بانک تعاون کشاورزی و غیره ) ، عده ای از بانکها نیز

صورت بانک واقعی نداشته و علاوه بر امور صرافیه و نزیل خواری میرد ازند • اکنون صحبت از ادغام این بانکها در میانست •  
 بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران که در سال ۱۳۳۸ با سرمایه اولیه ی ۴۰۰ میلیون ریال تشکیل شد و اکنون سرمایه ی خود را به  
 ۹۶۰ میلیون ریال افزایش داده است • بصورت بانک سرمایه گذاری عظیمی در آمد ه است که از طریق واگذاری وامها و اعتبارات صنعتی دراز مدت  
 و میانه مدت و یا شرکت مستقیم در سرمایه گذاری بیش از پیش شان صنایع کشور را بدست میگیرد و در واقع مظهر سرمایه ی مالی ( در آمیختگی سرمایه ی  
 بانکی با سرمایه ی صنعتی ) در ایرانست •  
 سیستم بانکی ایران در سالهای اخیر رشد سریع داشته • جدول زیر افزایش قدرت مالی بانکهای ایران را در نه سال اخیر نشان میدهد •

( ارقام به میلیارد ریال )

میزان افزایش به درصد	اذرماه ۱۳۴۸	۱۳۳۹	
۱۷۸	۳۱۶	۱۷۷٫۸	سرمایه ی پرداخت شده
۳۴۰	۴۲۸٫۲	۱۲۶٫۱	دارائیهها
۴۲۸	۵۴۱	۱۲٫۶	سپرد ه های مدت دار
۱۳۳	۶۱۵	۴۶٫۱	سپرد ه های دیداری
۷۵۴	۵۵۹	۷٫۳	پس انداز
۴۲۸	۱۸۰٫۴	۴۲٫۱	اعتبارات اعطائی به بخش خصوصی
۳۳۲	۷۷٫۴	۲۳٫۳	اعتبارات اعطائی به بخش دولتی و اوراقیهها

بطوریکه دیده میشود میزان سرمایه های پرداخت شده ی بانکها در این مدت در حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است • ولی قدرت  
 عمل این بانکها با سرعت به مراتب بیشتری بالا رفته است • چنانکه دارائیههای بانکها تقریباً ۳ برابر و میزان اعتبارات پرداختی به بخش خصوصی  
 بیش از ۴ برابر و به بخش دولتی ۳٫۳ برابر شده است • همچنین میزان پولی که بانکها بصورت مختلف ( سپرده های دیداری و مدت دار و پس -  
 انداز ) در دست خود متمرکز کرده اند از ۱۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۹ به بیش از ۱۷۰ میلیارد ریال بایبیش از ۴ برابر افزایش یافته است •

باآنکه بانکهای دولتی از لحاظ میزان سرمایه ی پرداخت شده به مراتب نیرومندتر از بانکهای خصوصی ( اعم از داخلی و مختلط ) هستند •

ولی دامنه ی عمل و میزان کارکرد بانکهای اخیر به مراتب بیشتر از سهم آنها در سرمایه گذاری است •

جدول زیر چگونگی فعالیت این بانکها را نمایش میدهد :

سهیم بانکهای دولتی و خصوصی و مختلط در فعالیت های بانکی در سال ۱۳۴۶ (به درصد)

شبکه بانکی	پس انداز	سپرده های مدت دار	سپرده های دیداری	انتخابات بخش خصوصی	دارائیهها	سرمایه ی پرداخت شده	
۷۱٫۳	۴۷٫۸	۴۱٫۳	۴۰٫۹	۳۲٫۶	۳۷٫۰	۱۶٫۵	(۱) بانکهای خصوصی جمعا
۶۸٫۳	۴۴٫۰	۱۹٫۱	۳۴٫۰	۲۲٫۲	۲۵٫۷	۹٫۲	- با سرمایه ی داخلی
۳٫۰	۳٫۸	۲۲٫۲	۶٫۹	۱۰٫۴	۱۱٫۳	۷٫۳	- با سرمایه ی مختلط
۲۸٫۷	۵۲٫۴	۵۸٫۳	۵۸٫۹	۶۶٫۷	۶۱٫۶	۸۲٫۳	(۲) بانکهای دولتی جمعا
۲۸٫۳	۵۲٫۰	۵۶٫۸	۵۷٫۷	۶۵٫۴	۶۰٫۷	۸۱٫۲	- با سرمایه ی داخلی
۰٫۴	۰٫۳	۱٫۵	۱٫۲	۱٫۳	۰٫۹	۱٫۱	- با سرمایه ی مختلط
-	-	۰٫۴	۰٫۲	۰٫۷	۱٫۴	۱٫۲	(۳) بانکهای خارجی *
۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	جمع

\* بانک ایران و روس تنها بانک خارجی در ایران است که بطور عمده با سرمایه ی مربوط به بازرگانی میان ایران و شوروی میپردازد.

بطوریکه دیده میشود بانکهای خصوصی فقط ۱۶ درصد سرمایه ی پرداخت شده ی بانکها را تامین کرده اند، ولی ۳۷ درصد دارائیه ها، در حدود ۳۳ درصد انتخابات بخش خصوصی، ۴۱ درصد سپرده های دیداری، بیش از ۴۱ درصد سپرده های مدت دار، در حدود ۴۸ درصد پس انداز و بیش از ۷۱ درصد شبکه ی بانکی را بخود تخصیص داده اند.

بانکهای دولتی وضع کاملاً معکوس دارند. با آنکه بیش از ۸۲ درصد سرمایه های بانکی متعلق به آنهاست، فقط ۶۰-۵۰ درصد فعالیت های بانکی بوسیله ی آنها انجام میگردد.

بانکها از فعالیت های خود منافع سرشار بدست میآورند. سود ویژه ی بانکهای ایران از ۱۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۶ افزایش یافت، یعنی بیش از ۳ برابر شد. جالب آنکه میزان سود نسبی بانکهای خصوصی بهر ترتیب بیش از سود بانکهای دولتی است. برای نمونه وضع چند بانک دولتی و خصوصی و مختلط را از لحاظ میزان سود در اینجا ذکر میکنیم :

سود ویژه و نسبت آن به سرمایه ی پرداخت شده ی برخی از بانکها  
در سال ۱۳۴۷ (به میلیون ریال)

نسبت سود ویژه به سرمایه ی پرداخت شده	سود ویژه	سرمایه ی پرداخت شده	
۲٫۲	۲۱۷٫۸	۹۵۳۴	بانکهای دولتی :
۸٫۴	۱۵۱٫۷	۱۷۹۸	— بانک کشاورزی
۷٫۰	۲۸٫۲	۴۰۰	— بانک اعتبارات صنعتی
			— بانک بیمه ی ایران
			بانکهای خصوصی :
۱۹٫۷	۱۷٫۸	۹۰	— بانک ایرانیان
۱۲٫۰	۱۲۰	۱۰۰۰	— بانک صادرات ایران
			بانکهای مختلط :
۲۳٫۸	۴۷٫۷	۲۰۰	— بانک اعتبارات ایران
۱۴٫۲	۲۸٫۴	۲۰۰	— بانک ایران و هلند

در میان بانکهای خصوصی، بانک توسعه ی صنعتی و معدنی ایران از موقعیت ممتازی برخوردار است. همگان سهام هزارریالی این بانک تا ۱۳۴۰ ریال در بورس تهران خرید و فروش میشود. امور بیمه گری ایران در دست ۱۱ مؤسسه ی بیمه متعز شده است: يك مؤسسه ی دولتی (شرکت سهامی بیمه ی ایران)، ۸ شرکت بیمه ی خصوصی داخلی و دو نمایندگی بیمه ی خارجی. شرکتهای خارجی، برخلاف رشته های بانکی، در امور بیمه گری ایران به سرمایه - گذارهای وسیع و مستقیم نپرداخته اند. این امر ناشی از محدودیتهای است که بموجب تصویب نامه ی هیئت وزیران (سال ۱۳۳۱ در زمان نخست وزیری دکتر مصدق) برای فعالیت شرکتهای بیمه ی خارجی در ایران بوجود آمده. ولی این محدودیت ها باعث شده که شرکت های بیمه ی خارجی از طریق بیمه های انکائی یحسی بطور غیرمستقیم در بازار بیمه ی ایران نفوذ کنند.

کار بیمه گری در ایران به علت محدود بودن بیمه های اجتماعی دامنه ی وسیع تر داشته و بیشتر بیمه هائی از قبیل بیمه ی بازرسی و آتش سوزی و بیمه ی اتومبیل راد برمیگردد. بیمه ی عمر که یکی از منابع عمده ی درآمد شرکتهای بیمه ی کشورهای سرمایه دار است (۵۰ - ۴۰ درصد کل حق بیمه ی وصولی این شرکتهار تشکیل میدهد) در ایران توسعه نیافته است. میزان حق بیمه ی دریافتی شرکت های بیمه ی ایران در سال ۱۳۴۴ این واقعیت را نشان میدهد.

(ارقام به میلیون ریال)

شرکت سهامی بیمه ایران	شرکتهای بیمه ی خصوصی	جمع	%
۲۴۸٫۰	۳۲۰٫۰	۵۶۸٫۰	۴۸٫۴
۱۹۳٫۸	۱۲۸٫۹	۳۲۲٫۷	۲۷٫۵
۷۰٫۳	۱۰۹٫۱	۱۷۹٫۴	۱۵٫۲
۴۰٫۱	۱۲٫۵	۵۲٫۶	۴٫۵
۵۱٫۸	—	۵۱٫۸	۴٫۴
۶۰۴٫۰	۵۷۰٫۵	۱۱۷۴٫۵	۱۰۰٫۰

بیمه های دریافتی در کشورهای پیشرفته ی صنعتی به ۸ - ۶ درصد درآمد ملی آنان بالغ میشود و حتی در کشوری نظیر هندوستان بیش از يك درصد درآمد ملی است. ولی در ایران از ۴٫۰ - ۳٫۰ درصد درآمد ملی تجاوز نمیکند.

ترکیب صادرات ایران در سال ۱۳۴۶

کالاها	میلیون دلار	درصد
فرش پشمی دستیافت	۴۹٫۶	۲۷٫۳
پنبه	۳۷٫۹	۲۰٫۸
میوه های تازه و خشکبار	۲۱٫۴	۱۱٫۸
پوست و چرم و مصنوعات آن	۱۱٫۹	۶٫۵
گلخانه های کانی فلزی	۷-	۳٫۹
خاویار	۴٫۱	۲٫۳
کتیرا	۳٫۵	۱٫۹
پشم و کرک و مو	۳٫۲	۱٫۸
زیره ی سیاه و زیره ی سبز	۳٫۰	۱٫۶
روده	۲٫۰	۱٫۱
انواع نخله	۱٫۷	۰٫۹
دانه ی گیاههای دارویی صنعتی	۱٫۴	۰٫۸
سیمان	۰٫۸	۰٫۴
سایر کالاهای	۳۴٫۳	۱۸٫۹
جمع	۱۸۱٫۸	۱۰۰٫۰

درآینده ی نزدیک گاز یکی از بزرگترین اقلام صادراتی ایران را تشکیل خواهد داد و میزان آن به ۶۶ میلیون دلار در سال بالغ خواهد شد.

در توزیع جغرافیایی صادرات ایران تغییرات معینی پدید آمده است. علاوه بر اتحاد شوروی که مقام اول را در صادرات ایران دارد کشورهای دیگری از اردوگاه سوسیالیستی نیز مقام قابل ملاحظه ای در صادرات ایران بدست آورده اند. در جدول زیر فهرست دهه کشورهای که در سال ۱۳۴۶ به ترتیب مقام اول تا دهم را در صادرات ایران داشتند، آورده میشود.

توزیع جغرافیایی صادرات ایران در سال ۱۳۴۶

کشورها	میلیون دلار	%
۱ اتحاد شوروی	۳۰٫۰	۱۶٫۶
۲ آلمان فدرال	۲۷٫۴	۱۵٫۱
۳ ایالات متحده ی آمریکا	۱۰٫۶	۱۱٫۴
۴ انگلستان	۹٫۷	۵٫۳
۵ چکسلواکی	۷٫۳	۴٫۰
۶ لهستان	۵٫۵	۳٫۰
۷ رومانی	۴٫۴	۲٫۴
۸ فرانسه	۴٫۲	۲٫۳
۹ ژاپن	۳٫۶	۱٫۹
۱۰ ایتالیا	۳٫۴	۱٫۸
۱۱ سایر کشورها	۶۵٫۷	۳۶٫۲
جمع	۱۸۱٫۸	۱۰۰٫۰

در سال ۱۳۴۶ - ۲۷٫۹ درصد صادرات ایران به کشورهای سوسیالیستی انجام گرفت، ۲۲ درصد به کشورهای عضو بازار مشترک و ۱٫۴ درصد به ایالات متحده ی آمریکا.

در ترکیب کالاهای وارداتی ایران تغییرات محسوسه ی بوجود آمده است. در اثر تحرکی که در اقتصاد بویژه در رشد صنایع کشور پدید آمده از سهم کالاهای مصرفی کاسته میشود و به سهم کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای افزیده میگردد. چنانکه در سال ۱۳۴۶ کالاهای مصرفی ۱۲٫۶ درصد کل واردات ایران را تشکیل میدادند و سهم کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای به ترتیب ۵۹٫۷ و ۲۷٫۷ درصد بود. این گرایش در آینده نیز حفظ خواهد شد. باید خاطر نشان ساخت که قسمت اعظم کالاهای



واسطه و کالاهای سرمایه ای برای تولید وسایل مصرف است و بسیاری از کالاهای مصرفی مانند اتومبیل سواری، یخچال و رادیو تلویزیون و غیره که در گذشته بصورت ساخته و آماده وارد کشور میشد، اکنون بصورت قطعات منفصله تحت عنوان کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه ای وارد کشور میگردد.

در توزیع جغرافیایی واردات ایران تغییر محسوسی حاصل نشده است. واردات ایران از کشورهای مختلف در سال ۱۳۴۶ گواه بر اینست.

توزیع جغرافیایی واردات ایران در سال ۱۳۴۶

کشورها	میلیون دلار	%
۱ آلمان فدرال	۲۷۵٫۳	۲۳٫۲
۲ ایالات متحده ای آمریکا	۲۱۲٫۴	۱۷٫۹
۳ انگلستان	۱۳۹٫۴	۱۱٫۷
۴ ژاپن	۹۱٫۷	۷٫۷
۵ فرانسه	۶۵٫۰	۵٫۴
۶ ایتالیا	۶۰٫۱	۵٫۱
۷ هلند	۴۸٫۳	۴٫۰
۸ شوروی	۳۳٫۳	۲٫۸
۹ هندوستان	۲۲٫۶	۱٫۸
۱۰ بلژیک	۱۹٫۸	۱٫۶
۱۱ سایر کشورها	۲۲۲٫۴	۱۸٫۸
جمع	۱۱۹۰٫۳	۱۰۰٫۰

بطوریکه از رتبه اول برمیآید عددترین کشورهای آمریکایی بیش از ۷۰ درصد بازاری وارداتی ایران را در دست دارند. کشورهای عضو بازار مشترک ۳۹ درصد، ایالات متحده ای آمریکا ۱۷٫۹ درصد، انگلستان ۱۱٫۷ درصد واردات ایران را بخود تخصیص داده اند. سهم کشورهای سوسیالیستی در واردات ایران فقط ۲٫۳ درصد است که حتی کسری از سهم ژاپن بنشانی است (۷٫۷ درصد). بازرگانی خارجی مستقیم ایران (بدون نفت) متعادل نیست. در سال ۱۳۴۶ واردات ایران ۶٫۵ برابر صادرات آن بود. واردات ایران از کشورهای بازار مشترک تقریباً ۱۲ برابر صادراتش باین کشورها بود، امریکاد ۵ بار بیش از واردات خود از ایران، باین کشور کالادار میکند (با آنکه صادرات ایران باین کشور بسیار جزئی است و از این لحاظ بهانه ای مثلاً مانند ژاپن در دست ندارد)، صادرات انگلستان بایران ۱۴ برابر و ژاپن تقریباً ۳۰ برابر واردات این کشورها از ایران است.

ایران صادرات کنندگی مواد خام کشاورزی و نفت است و وارد کنندگی محصولات صنعتی. تغییر قیمت این کالاها در بازار جهانی بزمان کالا-های صادراتی ایران هر ساله زبان فراوانی به اقتصاد کشور وارد میسازد.

فقط در سالهای اخیر در نتیجه توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی امکانات معینی برای صدور محصولات صنعتی ایران بوجود آمده است که در صورت توسعه این روابط امکانات بازم بیشتر برای کشور ما فراهم خواهد آمد.

دولت ایران بزرگترین واردکننده کالادار کشور است و در سالهای اخیر وزن واردات آن بشدت افزایش یافته است. در سال ۱۳۳۹ از ۵۰۴٫۷ میلیون دلار ارزی که برای وارد کردن کالا و خدمات ب فروش رسید، بود، ۸۶ میلیون دلار یاد رحدود ۱۷ درصد آن سهم دولت بود. در سال ۱۳۴۶ سهم دولت از این باب به ۴۰ درصد افزایش یافت و سهم بخش خصوصی متقابلاً از ۸۳ درصد به ۶۰ درصد پائین آمد. سازمان برنامه بزرگترین موسسه ای واردکننده کالا و خدمات دولتی از خارج است. ولی در نتیجه تغییراتی که قرار است در وظایف این سازمان داده شود و کارهای اجرائی برنامه ها بسایر سازمانهای دولتی محسول گردد، سازمان برنامه این نقش خود را از دست خواهد داد.

بوده و دولتی

بوده که ی دولت شامل بخش عظیمی از تولید ملی ایرانست و سال به سال بوزن ان افزوده میشود چنانکه  
 بود که ی عمومی و عمرانی کشور در سال ۱۳۴۲ برابر ۱۸٫۲ درصد تولید ناخالص ملی بود و در سال ۱۳۴۱ به  
 ۲۵٫۰ درصد ان رسید و در سالهای بعد افزایش بازهم بیشتری یافته است .  
 درآمد بود که ی کشور ( همه جا بود که ی عمرانی و عمومی مورد نظراست ) از منابع مختلف تأمین میشود .  
 این منابع در جدول زیر منعکس شده است .

ترکیب درآمد های بود که ی عمومی و عمرانی کشور

۱۳۴۹		۱۳۴۲*		۱۳۴۱*		
%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	
۹٫۸	۲۵٫۳	۷٫۷	۱۰٫۷	۸٫۸	۵٫۹	مالیاتهای مستقیم
۱۹٫۱	۴۹٫۱	۲۱٫۳	۲۹٫۶	۲۳٫۲	۱۵٫۵	مالیاتهای غیرمستقیم
۳۶٫۸	۹۴٫۷	۳۸٫۹	۵۴٫۰	۴۱٫۴	۲۷٫۷	نفت
۱۵٫۵	۳۹٫۷	۱۵٫۱	۲۱٫۰	۷٫۶	۵٫۱	وامهای داخلی
۱۲٫۸	۳۳٫۴	۷٫۳	۱۰٫۱	۱٫۶	۱٫۱	وامهای خارجی
۶٫۰	۱۵٫۵	۹٫۷	۱۳٫۴	۱۷٫۴	۱۱٫۶	سایر منابع
۱۰۰٫۰	۲۵۷٫۷	۱۰۰٫۰	۱۳۸٫۸	۱۰۰٫۰	۶۶٫۹	جمع

\* برده عمل شده .

نفت ه عده ترین منبع درآمد دولت است و در سال ۱۳۴۹ تقریباً ۳۷ درصد درآمد بود که ی کشور را تشکیل خواهد داد . ازارقام جد ول  
 فوق چنین برمیآید که سهم نفت در تأمین درآمد دولت نسبت به سال ۱۳۴۲ کاهش یافته است ( در سال ۱۳۴۲ برابر ۴۸٫۸ درصد و در سال ۱۳۴۹  
 ۳۶٫۸ درصد ) ولی این فقط ظاهر مسئله است ، زیرا کاهش نسبی سهم نفت معلول افزایش فوق العاده ی وامهای دولتی و بیچیزه وامهای  
 خارجی دولت است . بطوریکه ارقام جد ول نشان میدهد ، وامهای خارجی در سال ۱۳۴۲ فقط ۱٫۶ درصد درآمد های دولت را تأمین میکردند  
 و این رقم در سال ۱۳۴۱ به ۷٫۳ درصد و در سال ۱۳۴۹ به ۱۲٫۸ درصد افزایش یافت . اگر در سال ۱۳۴۲ نفت و وامهای خارجی — د و  
 عامل وابستگی اقتصاد دولت به انحصارهای خارجی — ۴۳ درصد درآمد های دولت را تأمین میکردند ، در سال ۱۳۴۱ یعنی در پایان برنامه ی  
 سوم آرا ۴ درصد و در سال ۱۳۴۹ در حدود ۵۰ درصد درآمد های دولت از این دو منبع تأمین میشد .

مالیاتهای غیرمستقیم دومین منبع عده ی تأمین درآمد های دولت است و کاهش نسبی آن نیز مانند کاهش وزن مخصوص درآمد نفست ،  
 معلول افزایش سهم وامهای خارجی و داخلی در درآمد دولت است . مالیاتهای غیرمستقیم نه تنها با سرعتی بیش از مجموعه ی درآمد های دولت ،

بلکه با سرعتی بیش از تولید ملی افزایش یافته است. آهنگ افزایش سالانه ی مالیاتهای غیرمستقیم، درآمد های دولت و تولید ناخالص ملی طی برنامه ی سوم به ترتیب از این قرار بود (بقیمت های جاری): ۱۸٫۴، ۱۴٫۶ و ۹٫۶ درصد. افزایش مالیاتهای غیرمستقیم تقریباً دو بار سریعتر از تولید ملی است. و این بمعنای فشار روز افزون بودجه ی دولتی بر دوش زحمتکشانش است. اگرچه تا حدودی به سهم مالیاتهای مستقیم در بودجه دولت افزود شده است، ولی هنوز هیچگونه تناسبی با مالیاتهای غیرمستقیم ندارد و میزان آن در سال ۱۳۴۹ تقریباً ۵۰٪ مالیاتهای غیرمستقیم پیش بینی شده است. علاوه بر اینها بیش از ۳۰ درصد مالیاتهای مستقیم از حقوق و دستمزد زحمتکشانش دریافت میشود.

برخی اقلام عمده ی هزینه های بودجه ی عمومی و عمرانی کشور در جدول زیر منعکس است

۱۳۴۹		۱۳۴۶*		۱۳۴۲*		
%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	%	میلیارد ریال	
۱۰۰٫۰	۲۵۷٫۷	۱۰۰٫۰	۱۳۸٫۸	۱۰۰٫۰	۶۶٫۹	کل هزینه مستمر
۴۳٫۸	۱۱۳٫۰	۴۵٫۰	۶۱٫۵	۲۷٫۸	۱۸٫۶	از جمله: هزینه های عمرانی و عمرانی
۵۶٫۲	۱۴۴٫۷	۵۵٫۰	۷۶٫۳	۷۲٫۲	۴۸٫۳	هزینه های جاری
						از جمله: وزارت جنگ، ژاندارمری و شهرستانی
۲۶٫۷	۶۹٫۱	۲۶٫۷	۳۷٫۱	۲۵٫۱	۱۶٫۸	فرهنگ و بهداشت
۱۴٫۰	۳۶٫۲	۱۲٫۰	۱۶٫۷	۱۴٫۶	۹٫۸	

\* برده شده

هزینه های عمرانی دولت سریعتر از هزینه های جاری آن افزایش می یابد. چنانکه وزن مخصوص این هزینه ها از ۲۷٫۸ درصد در سال ۱۳۴۲ به ۴۳٫۸ درصد در سال ۱۳۴۹ بالا رفت. این افزایش معلول صرفه جویی دولت در هزینه های ژاندارمری است، بلکه تماماً بحساب افزایش میزان وامهای داخلی و خارجی انجام گرفته است. وزن مخصوص این وامها در همین مدت از ۹٫۲ درصد به ۲۸٫۳ درصد افزایش یافته است. مقایسه ی بودجه های نظامی و دستگاههای فشار و اختناق نیز با بودجه ی فرهنگ و بهداشت شایان توجه است. در حالیکه وزن مخصوص بودجه های وزارت جنگ و ژاندارمری و شهرستانی از ۲۵٫۱ درصد هزینه های در سال ۱۳۴۲ به ۲۶٫۷ درصد آن در سال ۱۳۴۹ بالا رفته است. سهم فرهنگ و بهداشت در همین مدت از ۱۴٫۶ درصد به ۱۴ درصد کاهش یافته است. با آنکه بودجه ی کشور در سالهای اخیر ظاهراً متعادل است، ولی این "تعادل" بحساب وامهای داخلی و خارجی تأمین میشود. طی برنامه ی سوم علاوه بر ۱۵ درصد هزینه های دولت از طریق وامهای داخلی و خارجی تأمین شد و در سال جاری بیش از ۲۸ درصد آن از همین راه تأمین خواهد شد.

بودجه ی دولت نه از لحاظ منابع درآمد و نه از لحاظ موارد مصرف بهیچوجه منعکس کننده ی منافع و مصالح مردم ایران نیست، بلکه وسیله ی احاطه ی آزادی، تشدید استثمار و یکی از وسایل تشدید وابستگی کشور به انحصارات خارجی است.

\* \* \*

ایران سرزمینی است غنی که مردم فقیر آن زندگی میکنند. نظام اجتماعی حاکم در ایران، رژیم سیاسی مسلط بر آن، منافع اقتصادی انحصارات خارجی و مصالح سیاسی امپریالیسم جهانی مانع بهره برداری از این ثروت عظیم برای تأمین رفاه و پیشروزی مردم ایرانست. از نتایج تحریک نسبی سالهای اخیر دستگاہهای اعمال قهر رژیم و قشر معدودی از ثروتمندان بهره میبرند و فقط سهم ناچیزی از آن به بهای کار طاقت فرسا و استثمار شدید و از دست دادن آزادی نصیب زحمتکشانشان میگردد. باید مالیاتهای غیرمستقیم را طی برنامه‌ی سوم از ۱۵۰ میلیارد ریال به ۲۹۶ میلیارد ریال بالا برد تا بتوان میزان هزینه‌های نظامی رژیم را از ۱۶۸ میلیارد ریال به ۳۷ میلیارد ریال افزایش داد. میزان مصرف روستائینان را باید از ۲۱ درصد تولید ملی به ۲۷ درصد آن تنزل داد و برای بالا بردن سطح ناچیز مصرف مردم به آهنگ قلیل ۳ درصد رسال اکتفا نمود تا بتوان آهنگ سرمایه‌گذار بهار را به بیش از ۱۷ درصد رسال بالا برد. صنایع ایران سالانه ۱۱ درصد رشد می‌یابد ولی سرمایه‌داران بزرگ برای فروش کالاهای خود درد اخل کشور بازار بدست نمی‌آورند و در فکر بازاریابی در خارج از مرزهای کشور هستند. تولید برای کیفیت و برای چیست؟

وابستگی اقتصادی و مالی ناهنجاری تولید و اقتصاد کشور باید نیال در ارد و این ناهنجاری بشدت وابستگی میافزاید. زمانی امپریالیسم از صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی ایران جلوگیری کرد تا کشور ما را بازار فروش کالاهای خود و عرصه‌ی غارت نفت ماکرند و اکنون رژیم حاکم بر ایران برای صنعتی کردن کشور و پیشرفت اقتصادی بدامن همان امپریالیسم می‌آویزد و برای تبدیل ایران به بازار صد و سرمایه و غارت بیشتر نفت و حراج تمام منابع طبیعی ما خود بجان زدن میبرد. مردم ایران تشنه‌ی پیشرفت مستقل، دموکراتیک و سریع بسود اکثریت مطلق زحمتکشانشان کشور خود هستند. و ایران پراپیچنیسن پیشرفتی از تمام امکانات طبیعی و انسانی و مالی بحد کافی برخوردار است. فقط رژیم کنونی و امپریالیسم جهانی سد راه تحقق آرمانهای واقعا ملی و دموکراتیک مردم ایران هستند.

مسعود